انگیزه های قیام

امام حسین علیه السلام



بسم الله الرحمن الرحیم

انگیزه‌های قیام امام حسین(ع)

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انگیزه‌های قیام امام حسین(ع)

مشخصات کتاب

زبان: فارسی نویسنده: جمعی از نویسندگان

ناشر: مجله حوزه

تعداد صفحات: ۵۷

مقدمه

«عن الحسین بن علی بن ابی طالب و أنا ادعوکم الی کتاب الله و سنهٔ نبیّه فانّ السنّهٔ قد أمیتت و البدعهٔ قد أحییت .بی‌شک امام حسین (ع) از فرجام حرکت الهی ـ سیاسی خودش آگاه بود او نیک می‌دانست که این قیام به شهادت او و یارانش می‌انجامد و زنان و دخترانش به اسارت دشمن در می‌آیند. اکنون باید به این پرسش پاسخ داد که آیا حفظ جان واجب نیست قهراً پاسخ مثبت است پس باید پرسید: چرا امام این حرکت خونبار را آغاز کرد؟ انگیزه‌ها و اهداف آن حضرت چه بوده است با سیری اجمالی در سیره و سخنان سید الشهدا (ع) اهداف کلان و خرد او را می‌توان این گونه بیان کرد:

هدف کلان و استراتژیک

احیای اسلام ناب محمدی (ع) و ارزش‌های دینی آزاد سازی دین و حکومت دینی از چنگال نا اهلان و اشرار.

اهداف جزیی

اشاره

اهداف و مقاصد جزئی امام حسین (ع) عبارت بودند از:۱. انجام دادن تکلیف و تحصیل رضایت خدا.۲. ترسیم زندگی سعادتمندانه و مسوؤلیت۳. مبارزه با زمامداران فاسد و مفسد.۴. تشکیل حکومت دینی ۵. اجرای احکام و حدود دینی و جلوگیری از تعطیلی آنها.۶. اصلاح‌طلبی و ارائه الگوی عینی رهبر عادل با رویکرد به سنّت نبوی و علوی ۷. احیای فریضه گرانسنگ امر به معروف و نهی از منکر.۸. اتمام حجت و آگاهی بخشی به امت و تقویت هوشمندی‌های سیاسی ـ دینی مردم اینک هر یک از اهداف جزئی را توضیح می‌دهیم

انجام دادن تکلیف الهی و تحصیل رضایت خداوند

اشاره

فردی که به مقام عبودیت بار یافته است و افتخار خود را بندگی خدا می‌داند، جز انجام دادن تکلیف و دستیابی به رضایت خداوند، به چیز دیگری نمی‌اندیشد و همه برنامه‌های زندگی اش را بر این اساس سامان می‌بخشد. این موضوع مهم را برای نمونه از این سخنان حضرت می‌توان به دست آورد:الف ـ آن‌گاه که مادر بزرگ ایشان «ام سلمه به حضرت گفت با حرکت خودت به سوی عراق مرا اندوهگین مساز؛ زیرا از جدت رسول خدا شنیده‌ام که فرمود: «فرزندم حسین در خاک عراق و در محلی به نام کربلا کشته

خواهد شد». امام در پاسخ وی فرمود:«یا أمّاه و أنا أعلم انّی مقتول مذبوحٌ ظلماً و عدوناً و قد شاء عزّوجلّ أن یری حرمی ورهطی مشرّدین و اطفالی مذبوحین مأسویّ مقیّدین و هم یستغیثون فلا یجدون ناصراً؛ای مادر! به خوبی می‌دانم که براساس ستم و کینه توزی مردم کشته می‌شوم و سرم ازبدنم جدا می‌گردد آری خداوند بزرگ چنین خواسته است که کودکانم کشته شوند و زنان و فرزندانم به اسارات دشمن درآیند و فریاد ناله‌های آنان طنین انداز شود، ولی کسی به فریاد آنان نرسد».ب وقتی محمد بن حنفیه از حرکت برادرش به سوی کوفه آگاه شد، سراسیمه به مکه شتافت و از بی‌مهری و بی‌وفایی مردم کوفه نسبت به امام علی (ع) و امام حسن (ع) سخن گفت او امام حسین (ع) را از سفر به کوفه بازداشت و حرکت به طرف یمن را پیشنهاد کرد.امام به او فرمود: «درباره پیشنهاد تو فکر می کنم ، لیکن ایشان صبحگاهان بارسفر بست و حرکت خونین خودش را آغاز کرد. محمد شتابان پیش برادر آمد و گفت مگر وعده ندادی که سخن مرا بررسی کنی حضرت در پاسخ وی فرمود: «بلی ولکن بعد ما فارقتك رأیت رسول الله (ص) فی‌المنام و قال یا حسین اخرج فان الله تعالی شاء ان یراك قتیلاً».محمد با شنیدن رؤیای برادرش گفت (انا لله و انا الیه راجعون . سپس پرسید:پس چرا زنان و کودکانت را می‌بری حضرت در پاسخ فرمود: «و قد شاء الله ان یراهن ّسبایا».ج هنگامی که عبدالله بن جعفر (همسر حضرت زینب از حرکت به سوی کوفه آگاه شد، نامه‌ای به ایشان نوشت و توسط دو فرزندش عون و محمد، برای امام فرستاد او امام را از این سفر خونین بازداشت و همزمان به دیدار، عمرو ابن سعد فرماندار مدینه و امیر الحاج یزید رفت تا امان نامه‌ای از وی بگیرد او نیز پذیرفت و برادرش یحیی را همراه امان نامه و عبدالله به سوی امام روانه ساخت وقتی پیش حضرت آمدند، عبدالله با تقدیم نامه عمرو، دوباره بازگشت او را خواستار شد آن‌گاه امام در پاسخ وی فرمودند: «انّی رأیت رؤیاً فیها رسول الله و أرمت فیها بأمر أنا ماضٍ له علیّ کان أولی در خواب پیامبر را دیدم و در آن دستوری به من داده شد که باید آن را دنبال کنم چه به سودم باشد یا ضررم .سپس عبدالله توضیح بیشتری درباره خواب حضرت طلبید. امام فرمود: «ماحدّثت أحداً بها و ما أنا مُحدّثٌ بها حتی ألقی ربّی .د. هنگامی که کاروان عشق و ایثار در منزلی (بطن عقبه به استراحت پرداخت امام خطاب به یارانش فرمود: «ما أرانی الا مقتولاً فانّی رأیت فی المنام کلاب تنهشنی و اشدّها علی کلّب ابقع ؛ بی‌تردید من کشته خواهم شد؛ زیرا در خواب دیدم که چندین سگ به من حمله ور شدند و سرسخت‌ترین آنها سگی بود سیاه و سفید».ه. هنگامی که کاروان حماسه و شور، به نزدیکی کربلا- و منزل «قصر بنی مقاتل رسید، پس از استراحت کوتاهی امام دستور حرکت داد و با ذکر «انا لله و انا الیه راجعون الحمد لله رب العالمین راه افتاد. جناب علی اکبر پیش آمد و سبب استرجاع پدرش را جویا شد، امام در پاسخ وی فرمود:«انّی خفقت برأسی فعنّ لی فارس و هو یقول القوم یسرون و المنایا تشری الیهم فعلمت اءنّها انفسنا نعیت الینا؛ خواب سبکی بر چشمانم غلبه کرد و ناگهان این صدا را شنیدم این گروه شبانه حرکت می‌کنند و مرگ نیز به دنبال آنهاست بدینسان فهمیدم که خبر مرگ را برایم می‌دهند»آنگاه علی اکبر عرض کرد: «لا أراك ان شاء الله بسوء؛ ألسنا علی الحقّ؟؛ خداوند بر تو بد نخواهد، مگر ما در مسیر حق نیستیم ».امام فرمود: «آری به خدا سوگند که جز در راه حق گام برنمی‌داریم .«علی اکبر گفت «پس در این صورت چرا باید از مرگ بترسیم هرگز هراسی به دل راه نمی‌دهیم .و هنگامی که طلیعه سپاه ظلمت با کاروان نور، رو به رو گردید و آنان را ناگزیر در سرزمین کربلا فرود آوردند، امام فرمود: «اللهم انی أعوذ بک من الکرب و البلاء هیهنا محطُّ رحالنا و هیهنا و الله محلّ قبورنا، و هیهنا و الله محشرنا و منشرنا، و بهذا وعدنی جدّی رسول الله و لا خلاف لوعده ؛بار پروردگارا! از اندوه و بلا به تو پناه می‌برم این جاست محل فرود آمدن ما، به خدا سوگند! اینجاست مکان قبرهای ما، به خدا سوگند! این جا محل حشر و نشر ما درقیامت است این وعده‌ای است که جدم پیامبر به من داده است و به یقین در وعده او خلافی نیست .ز. عصر تاسوعا سپاهیان نفاق آهنگ یورش به خیمه‌های حسین (ع) کردند.حضرت در آستانه خیمه به شمشیرش تکیه زده بود که خواب سبکی بر چشمانش چیره شد. حضرت زینب صدای همهمه سپاه را شنید و سراسیمه پیش برادرش شتافت و با او سخن گفت حضرت در پاسخ وی فرمود: «انّی رأیت رسول الله فی المنام فقال لی انّک صائر الینا عن قریب پیامبر خدا را در خواب دیدم که به من گفت به زودی نزد

مـامی‌آیی «ح در واپسین ساعت‌هـای شب عاشورا، خواب سبکی چشم امام (ع) را فرا گرفت وقتی از خواب بیـدار شـد، به یارانش فرمود: «انّی رأیت فی منامی کأنّ کِلاباً قد شـتّت علی ّتَنْهَشُـنی و فیها کلب أبقعُ رأیتُه أشدَّها و أظنُ أنّ الّذی یتولّی قتلی رجلٌ أبرصُ من هؤلاء القوم .در خواب دیدم که چندین سگ شدیداً بر من حمله ور شدند و سر سخت‌ترین آنها سگی بود به رنگ سیاه و سفید و فکر می‌کنم از میان این مردم فردی که بیماری برص دارد، مرا خواهـد کشت .سپس افزودند: «و انی رأیت رسول الله بعد ذلک و معه جماعه من أصحابه و هو یقول أنت شهید هذه الامهٔ و قد استبشر بک أهل السموات و أهل لصفیح الاعلی ولیکن افطارک عندی اللیلهٔ عَجِّل‌و لاتُؤخِّرْ، فهذا ملک قد نزل من السماء لیأخُذَ دَمَک فی قارورهٔ خضراء؛ همچنین رسول خدا (ص) را با جمعی از یارانش دیـدم کـه به من فرمـود: توشـهید این امـتی و ساکنـان آسـمان‌ها و اهـالی ملکـوت اعلی و عرش برین آمـدن تـو را به‌یکـدیگر مژده می‌دهند. تو امشب افطار را پیش ما خواهی بود. بشـتاب و تأخیر را روا مدار.اکنون فرشته‌ای از آسمان فرود آمده است تا خون تو را بگیرد و در شـیشه‌ی سبز رنگی‌نگهـداری کند؛در پایان فرمود: فهذا ما رأیتـه‌و قد أَنِفَ الامر و اقترب الرحیل من هذه الدنیا لا شـک فیه ای یاران این بود خوابی که دیـدم مرگ ما فرا رسـیده بی‌تردید هنگام کوچیدن از این دنیا نزدیک شده است «آری شـهادت آن بزرگوار، ویژگیهای قاتل ـ ابتلا به بیماری برص که به صورت سگ سـیاه و سـفید نشان داده شد ـ روزه امساک از توجه به غیر خدا و به مهمانی افطار پیامبر (ص) رفتن اسـتقبال فرشتگان از روح این شهید والا مقام ذخیره کردن خون او که‌باید برای زنده نگه داشتن دین در هماره تاریخ در جریان باشد،همه این حقایق ملکوتی در عالم رویا به آن حضرت بیان شد و او نیز عاشقانه آنها را پذیرفت و در راه انجام وظیفه همه آنها را به جان خرید.

یاد سپاری مهم

در بیانات امام (ع) سـخن از «مشیت الهی به میان آمده است شاید این پرسـش به ذهن برخی خطور کند که اگر خواست خدا چنین بود، پس امام حسـین (ع) چاره‌ای جز حرکت نـداشت و او در پیمودن این راه مجبور بود! پس شـهادت او و یارانش چندان ارزشـی نـدارد؛ زیرا عمل غیر اختیاری نیکو شـمرده نمی‌شود. از سوی دیگر، رفتار ددمنشانه سپاهیان کوفه نیز چندان زشت نمی‌نماید؛ چون هر مقتولی قـاتلی می‌طلبـد و آنان نیزطبق خواست خـدا عمل کرده‌انـد! پس این همه لعن و نفرین برای چیست در پاسـخ بایـد گفت مشیت و اراده دو نوع است تکوینی و تشریعی آنچه به پیدایش چیزی در جهان پیوند دارد، اراده تکوینی نامیده می‌شود که یکی از ویژگی‌هـای آن محال بودن تخلف از اراده است یعنی محال است که خواسـته خـدا تحقق نیابـد؛ (انما امره اذا أراد شـیئا أن یقول له کن فیکون و آنچه به امور قـانونی ربـط دارد، اراده تشـریعی نام دارد. از ویژگیهای آن امکان تخلف مراد از اراده است یعنی ممکن است که خواسـته خـدا تحقـق نیابـد: (ان الله یـأمر بالعـدل والاحسـان و ایتـاء ذی القربی و ینهی عن الفحشـاء و المنکر والبغی یعظکم لعلکم تـذکّرون خداونـد به برپایی عـدالت و نیکی به مردم و رسـیدگی به امور خویشان فرمان داده آنها را از مردم خواسـته و نیز از پیـدایش زشتی‌ها و منکرات و سـتم باز داشـته است خداونـد شـما را موعظه می‌کنـد، شاید متذکر شوید». لیکن‌همگی با چشم خود می‌بینیم که چنین نیست و خواسـته خدا عملی نشده چه بسـیار است نیکی‌ها که بر زمین مانده و چه بسیار آلودگی‌هایی است که در جوامع پخش شده است بنابراین روشن شد که در تحقق عملی از انسان تنها اراده خداوند کافی نیست بلکه خود انسان نیز باید اراده داشـته باشـد و حسن و قبـح و صـلاح و فسـاد کـار را دریابـد و به‌آن روی آورد، یـا از آن رخ برتابـد. وقتی امام حسـین (ع) غصـب خلافت نبوی و تکیه زدن فرد پلیـدی چون یزیـد به مسـند قدرت را نگریست دیگر لحظه‌ای درنگ را روا نشـمرد وجهاد با غاصـبان خلافت و دشمنان رسالت را بر خود واجب دید تا بدین‌سان خود و فرزندانش را قربانی کند و اسلام در حال نابودی را جانی دوباره بخشد وقرآن و آیین فراموش شده نبوی را حیاتی نو عطا کند.این مأموریت آسمانی در قالب خواب به سیدالشهداء (ع) عرضه شد و او نیز پیش از هر حرکتی این انگیزه و هـدف مهم خویش را با یارانش بیان کرد تا آنان که در طول تاریخ اوراق زرین این حماسـه

شورانگیز را ورق می‌زنند، به خوبی بدانند که او بر پایه علم و آگاهی واراده و اختیار، این مسیر را پیمود و با نیروی بسیار اندک ولی با ایمان و فداکار، در برابر سپاهیان پرشمار دشمن پا به عرصه جهاد گذاشت نتیجه‌ی طبیعی این نبرد،شکست ظاهری او و یارانش بود؛ لیکن همان گونه که او از طریق احادیث فراوان به شهادتش آگاه شده بود، این موضوع مهم را هم می‌دانست که این رفتار وی الگویی برای مبارزان مسلمان خواهد شد و این حماسه آفرینی او و یارانش همچنان بر تارک تاریخ‌خواهد درخشید.

ترسیم زندگی سعادتمندانه و مسئولیت شناسی در برابر سرنوشت امت اسلامی

اشاره

یکی از وظایف هر مسلمان این است که دربرابر دین الهی و سرنوشت امت اسلامی احساس مسؤولیت داشته باشد.فقط به زندگی فردی و وظایف انفرادی نیندیشد؛ بلکه در مقابل هر حرکتی که سعادت امت را به خطر می‌افکند، واکنش مناسبی از خود نشان دهد تا نااهلان زمینه نفوذ و به سقوط کشاندن حکومت دینی را در سر نپرورانند.این مهم بر پیشوایی چون حسین بن علی (ع) واجب‌تر از دیگران است آن حضرت با اقدام شجاعانه خویش این درس را به همگان آموخت و ویژگیهای زندگی سعادتمندانه را برشمرد، زیرا زندگی به فرو رفتن و فرا آمدن نفس نیست بسیاری از انسان‌ها مرده‌های متحرکی هستند که فقط خواص حیات حیوانی دارند. برای آشنایی با این هدف مهم امام (ع)، نمونه هایی از سخنانش را با هم بررسی می کنیم

نامه به مردم بصره

سید الشهدا (ع) پس از ورود به مکه مکرمه نامه‌ای بدین مضمون برای سرشناسان مردم بصره مانند مالک بن مسمع بکری منذرین بن جارود و مسعود بن عمر فرستاد و درآن نوشت «أما بعد، فان‌الله اصطفی محمداً من خلقه و أكرمه بِنُبُّوته واختاره لرسالته ثم قَبَضه الیه و قد نصح لعباده و بلّغ ما أرسل به و كُنّا أهله و اولیائه وأوصیائه و ورثته و أحق الناس بمقاسه فی الناس فاستأثر علینا قومُنا بذلک فَرضینا وكَرِهنا الفرقهٔ و أحببنا العافیهٔ و نحن نعلم انّا احقُ بذلک الحّق المستحّق علینا مِمّن تولّاه وقد بعثت رسولی الیکم بهذا الکتاب وأنا أدعوكم الی کتاب‌الله وسنته نبیّه فان‌السنهٔ قدأمتیت‌والبدعهٔ قدأحییت فان تسمعوا قولی أهدكم الی سبیل الرشاد. و السلام علیکم و رحمهٔ الله و بركاته پس از حمد و ثنای الهی بی‌تردید خداوند، حضرت محمد (ع) را ازمیان آفریدگانش برگزید و او را به نبوت و رسالت کرامت بخشید. سپس در حالی که او وظیفه الهی و ابلاغ رسالتش را ناصحانه و خالصانه انجام داده بود، او را به ملکوت اعلا برد و جانش را گرفت ما اهل بیت وصی و وارث او و سزاوارترین مردم برای جانشینی او بودیم ولی گروهی بر ما پیشی جستند و حق ما را ربودند. ما با آگاهی از شایستگی خویش بر آنان برای سلامتی جامعه و پیشگیری از هر گونه فتنه و آشوبی بدان تن دادیم وآرامش جامعه اسلامی و احیای دین خدا را بر دستیابی به حق خویش پیش انداختیم اکنون پیک خود را با نامه‌ای به سوی شما گسیل می‌دارم و شما را به سوی قرآن و سنت‌پیامبر (ص) فرا می‌خوانم زیرا در شرایطی هستم که سنت نبوی مرده و نابود شده و جای آن را بدعت‌ها فرا گرفته است اگر دعوت مرا بپذیرید، راه رشد و سعادت را به شما می‌نمایانم درود و رحمت و برکت خدا بر شما باد».

برخی از اشعار حماسی امام حسین در میدان نبرد

الموت أولی من ركوب العاروالعار أولی من دخول النار«مرگ از پذیرفتن ننگ بهتر، و تن دادن به ننگ از درآمدن به آتش جهنم بهتر است .أنا الحسین بن علی آلیتُ أن لا أنْثَنی‌أحمی عیالات أبی أمُضی علی دین النبی من حسین فرزند علی هستم سوگند یاد

کرده‌ام که دربرابر دشمن سر فرود نیاورم .«من از خاندان پدرم پشتیبانی می‌کنم و برای احیای دین جدم کشته می‌شوم .برای آشنایی بیشتر با اشعار حماسی امام و یارانش مراجعه شود به کتاب العوالم مقتل خوارزمی و ادب الحسین (ع).

منشور جهانی حماسه جاوید کربلا

پس از آن که همه یاران فرزندان و برادران امام حسین (ع) شهید شدند، او به نبرد با دشمن پرداخت و با حمله‌های پی در پی بسیاری از سپاهیان کوفه را بر زمین افکند.آنان از رویا رویی با حضرت درماندند، حیله‌ای به کار بستند و به خیمه‌های خاندان او حمله ور شدند. آنگاه امام (ع) با صدای رسایی فریاد زد: «یا شیعه آل ابی سفیان ان لم‌یکن لکم دین و کنتم تخافون المعاد، فکونوا أحرار فی دنیاکم و ارجعوا الی أحسابکم ان‌کنتم عرباً کما تزعمون ای دوستداران خاندان ابوسفیان اگر دین ندارید و از روز رستاخیر نمی‌هراسید، دست کم آزاد مرد باشید و اگر خود را عرب می‌دانید، به آیین نیاکان خود رفتار کنید و مراقب شرافت انسانی خود باشید».

نتیجه

احساس مسؤولیت دربرابر دین آسمانی و سرنوشت امت اسلامی از وظایف سنگین هرفرد مسلمان است که درباره رهبران دینی نمود بیشتری دارد و نیز ترسیم سیمای جامعه سعادتمند از ویژگیهای رهبران الهی است که امام حسین (ع) در سراسر زندگی حماسه سازش به این دو، عمل کرد و اهتمام به این دو وظیفه اجتماعی را به همگان آموخت

مبارزه با زمامداران فاسد و مفسد

اشاره

عن الحسین بن علی (ع): سمعت جدی رسول (ص) یقول الخلافهٔ محرّمهٔ علی آل‌ابی سفیان فاذا رأیتم المعاویهٔ علی منبری فابقروا بطنه مبارزه حق و باطل در طول تاریخ هماره بوده است طاغوت‌ها و مستکبران با بهره گیری از ابزار قدرت تهدید و تطمیع مردم را شست و شوی مغزی می‌دهند؛(فاستخف قومه فأطاعوه و بدین سان بر جان و مال مردم سلطه می‌یابند و زمام امرآنان را در اختیار می‌گیرند و آنان را به اطاعت و بندگی خود فرا می‌خوانند، اینان رهبران نارند؛ لیکن رهبران نور، هماره مردم را به خدا پرستی و خودگریزی و حرکت در مسیرصراط مستقیم الهی دعوت می‌کنند.قهراً میان این دو روش برخورد بامردم درگیری پدید می‌آید؛ رهبران نورانی به هر وسیله ممکن می‌کوشند تا انسان‌ها را از بردگی غیر خدا نجات دهند و به بندگی ذات‌اقدس الهی ره بنمایانند، هر چند به نثار جان و مالشان بینجامد. از این رو، امام حسین (ع) نیز یکی از اهدافش را مبارزه با زمامداران فاسد و مفسد می‌نامد. برای نمونه چند مورد را بررسی می‌کنیم

در پاسخ مروان بن حکم

پس از حضور امام (ع) در جلسه شبانه فرمانداری که به جهت بیعت‌گیری بی‌سر و صدا ازآن حضرت بر پا شد و حضرت آن پاسخ دندان شکن را به ولید داد.صبح روز بعد،مروان امام (ع) را دید و گفت من خیرخواه تو هستم بیعت با یزید به سود دنیا و آخرت تو است سیدالشهدا (ع) در پاسخ وی فرمود:«انّالله وانا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذا ابلیت الامهٔ براعٍ مثل یزید ولقدسمعت جدّی رسول الله (ع)یقول الخلافهٔ محرّمهٔ علی آل أبی سفیان فاذا رأیتم‌المعاویهٔ‌علی منبری فابقروا بطنه و قدرآه اهل المدینهٔ علی

المنبر فلم یبقروا، فابتلاهم الله یزیدالفاسق اکنون که مسلمانان به زمامداری فردی چون یزید گرفتار شده‌اند، باید فاتحه اسلام را خواند و با آن وداع کرد. شنیدم از جدم رسول خدا که می‌فرمود: خلافت بر دودمان سفیان حرام است اگر روزی معاویه را بر بالای منبرم دیدید، شکمش را بدرید و با خواری و ذلّت او را بکشید؛ ولی مردم مدینه این صحنه را دیدند و هیچ واکنشی نشان ندادند،بدین جهت خداوند آنان را به یزید بدتر از معاویه گرفتار کرد».

تصرف اموال کاروان یزید

هنگام خروج امام (ع) از مکه مکرمه منطقه تنعیم ـ که نزدیک‌ترین نقطه به حرم است ـ کاروانی را دید که از سوی استاندار یمن بحیزی یسار، هدایای ارزشمند را به سوی شام می‌بردند. حضرت جلو آنان را گرفت و آن اموال را مصادره کرد و خطاب به آنان گفت «من احبّ منکم ان ینصرف معنا الی العراق أوفینا کرائه و أحسّنا صحبته و من أحبّ المفارقهٔ اعطیناه من الکراء علی ما قطع من الارض هر یک از شما دوست دارد که همراهما به عراق بیاید، کرایه کامل او را می‌پردازیم و با او به نیکی برخورد می‌کنیم و آن که بخواهد از همین جا برگردد، کرایه تا آن مکان را به او می‌پردازیم .

یاد سپاری

سرور آزادگان با این عملکرد انقلابی به همگان آموخت که باید با طاغوت هر چند با روش‌های اقتصادی بستیزند؛ زیرا آن اموال از آن مسلمانان محروم یمن بود که مزدورمعاویه آن هارا از مردم به زور گرفته برای خود شیرینی به یزید فرستاده بود این اموال باید در اختیار حاکم عادلی قرار گیرد که برای صلاح امت اسلامی مصرف شود.از سوی دیگر، با پیشنهاد اعطای کرایه شترداران که از طبقه محروم بودند،التزام خود را به احکام دینی و با وعده مصاحبت نیکو در طول سفر به عراق اخلاق زیبایی اسلامی را به نمایش گذاشت

لزوم مبارزه با ستمگران

کاروان امام (ع) با سپاه حر روبه رو شدو ناچار به همراهی آنان تن داد و در منازل میان راهی و کنار همدیگر به استراحت می‌پرداختند. در منزلی به نام «بیضه حضرت زبان به سخن گشود که در بخشی از آن آمده است «أیّها الناس انّ رسول‌الله (ص) قال من رأی سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام الله، ناکثاً عهده مخالفاً لنبیه یعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان فلم یُغّیر علیه بفعل و لاقول کان‌حقّاً علی الله أن یدخله مدخله ای مردم پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: هر مسلمانی حاکم ستمگر را ببیند که حرام خدا را حلال کرده پیمان الهی را شکسته با سنت پیامبرش به مخالفت برخاسته با بندگان خدا و امت اسلامی به گناه و تجاوز رفتار می‌کند،ولی در برابر او هیچ واکنشی گفتاری یا رفتاری نشان ندهد و راه سکوت را در پیش گیرد، بر خداوند است همان گونه که حاکم ستمگر را به عذاب جهنم گرفتار می‌کند، آن فرد ساکت‌را نیز به همان آتش بسوزاند».

تحقیر عبیدالله توسط امام حسین

وقتی که حرّ بن یزید، کاروان عشق و ایثار را با اجبار در منطقه کربلا فرو نشاند،نامه‌ای به عبیدالله بن زیاد، والی کوفه نوشت و ازاو کسب تکلیف کرد. وی در پاسخ حرچنین نوشت از ورود آنان به سرزمین کربلاـ آگاه شدم امیرالمؤمنین یزید بن معاویه به من فرمان داده است که لحظه‌ای استراحت نکنم و غذایی سیر نخورم تا حسین را بکشم یا او به فرمان من درآید و به حکومت یزید تن در دهد.وقتی پیک ابن زیاد این نامه را به امام (ع) داد، حضرت آن را خواند و با بی‌اعتنایی به زمین انداخت و فرمود: «لا افلح قوم

اشتروا مرضات المخلوق بسخط الخالق رستگار و کامیاب مباد مردمی که خشنودی خلق را با غضب خالق معامله کردند و از خدا گریختند و به دنیا دل بستند». سپس در پاسخ نامه رسان چنین فرمود: «ما له عندی جواب، لانّه‌حقّت علیه کلمهٔ العذاب این نامه شایسته پاسخ نیست زیرا نویسنده‌اش دشمنی با خدا را برگزیده و فرد بی‌ارزش است و عذاب الهی او را در بر خواهد گرفت .گفتنی است هنگامی که پیک نزد ابن زیاد بازگشت و رفتار امام را گزارش داد،وی بسیار خشمگین شد و در صدد انتقام و سخت‌گیری‌های بیشتر بر آمد.

تشکیل حکومت اسلامی

اشاره

یکی از وظایف رهبران الهی تشکیل حکومتی است که بر پایه آیین آسمانی شکل گیرد و با هدف شکوفایی استعدادهای انسانی و بالندگی دین و ارزش‌های آن به سامان‌دهی امور مردم بپردازد.امام حسین (ع) نیز پس از مرگ معاویه و استقبال مردم عراق از امامت و دولت آن حضرت زمینه را برای تشکیل حکومت اسلامی مساعد یافت این حقیقت را برخی از سخنان سید الشهداء (ع) آشکار می‌سازد که برای نمونه چند مورد آن را بررسی می‌کنیم

نامه‌ای به مردم بصره

امام حسین (ع) پس از ورود به مکه نامه‌ای بدین مضمون برای مردم بصره نوشت «أما بعد، فانّ‌الله اصطفی محمداً من خلقه و أکرمه بِنُبُوته و اختاره لرسالته ثم‌قَبَضَه‌الیه وقد نصح لعباده و بلّغ ما أرسل به وکُنّا أهله و اولیائه و أوصیائه و ورثته و أحق‌الناس بمقاسه فی الناس فاستأثر علینا قومُنا بذلک فَرضینا و کَرِ هنا الفرقة وأحببناالعافیهٔ و نحن نعلم انّا أحقُّ بذلک الحقّ‌المستحقّ‌علینا ممَّن تولّاه وقد بعثت رسولی‌الیکم بهذا الکتاب و أنا أدعوکم الی کتاب الله و سنته نبّیه فانّ‌السنهٔ قد أمیتت‌و البدَعهٔ قدأُحییت فان تسمعوا قولی أهدکم الی سبیل الرشاد، والسلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته پس از حمد و ثنای الهی بی‌تردید، خداوند، حضرت محمد را از میان آفریدگانش برگزید و او را به نبوت و رسالت کرامت بخشید. سپس در حالی که او وظیفه الهی و ابلاغ رسالتش را ناصحانه و خالصانه انجام داده بود، او را به ملکوت اعلا برد و جانش را گرفت ما اهل‌بیت وصی و وارث او و سزاوارترین مردم برای جانشینی او بودیم ولی گروهی بر ما پیشی جستند و حق ما را ربودند، ما با آگاهی از شایستگی خویش بر آنان برای سلامتی جامعه و پیشگیری از هرگونه فتنه و آشوبی بدان تن دادیم و آرامش جامعه اسلامی و احیای دین خدا را بر دستیابی به حق خویش پیش انداختیم اکنون پیک خود را با نامه‌ای به سوی شما گسیل می‌دارم و شما را به سوی قرآن و سنت پیامبر (ص) فرا می‌خوانم زیرا در شرایطی هستم که سنت نبوی مرده و نابود شده و جای آن را بدعت‌ها فرا گرفته است اگر دعوت مرا بپذیرید، راه رشد وسعادت را به شما می‌نمایانم درود و رحمت و برکت خدا بر شما باد».رهبر آزادگان در این نامه ضمن دعوت از مردم بصره برای قیام علیه حکومت‌امویان و مبارزه با بدعت‌ها و انحراف‌ها، حکمت سکوت خاندان رسالت را در برهه‌ای از زمان پیشگیری از فتنه و آشوب در جامعه اسلامی خوانده شایستگی خودش را برای‌خلافت و تشکیل حکومت دینی به روشنی بیان می‌فرماید.

پاسخ نامه‌های مردم کوفه

از آنجا که مردم کوفه از ستم امویان به تنگ آمده بودند، وقتی از مرگ معاویه و ورود امام حسین (ع) به مکه و مخالفت او با خلافت یزید و خودداری از بیعت با او خبردار شدند، نامه‌های گوناگونی برای آن حضرت نوشتند و آمادگی خودشان را برای

پذیرفتن رهبری و امامت سیدالشهدا (ع) به روشنی بیان کردند و وعده پشتیبانی از دولت حسین را جار زدند وقتی نامه‌ها به دست امام (ع) رسید، در پاسخ آن‌ها چنین نگاشت «بسم الله الرحمن الرحیم من الحسین بن علی الی الملا من المؤمنین والمسلمین اما بعد فان هانیاً و سعیداً قدّما علیّ بکتبکم و کانا آخر من قدم علیّ من رسلکم و قد فهمت کلّ الذی قصصتم و ذکرتم و مقالهٔ جلکم انه لیس علینا امام فاقبل لعل‌الله یجمعنا بک علی الهدی و الحق؛ و قد بعثت الیکم اخی و ابن عمّی و ثقتی من اهل‌بیتی و امرته ان یکتب الیّ بحالکم و امرکم و رأیکم فان کتب انه قد اجتمع رأی ملاکم وذوی الفضل وو الحجی منک علی مثل ماقدم علیّ به رسلکم و قرأت فی کتبکم اقدم‌علیکم وَشیکاً ان شاءالله. فلعمری ما الامام الا العامل بالکتاب و الاخذ بالقسط و الدّائن‌بالحقّ و الجالس نفسه علی ذات الله، والسلام .«به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر، از حسین بن علی به بزرگان و سرشناسان‌اهل ایمان و اسلام پس از حمد و ثنای الهی آخرین نامه شما را توسط هانی و سعیددریافت کردم و به مقاصد شما پی بردم درخواست شما در نامه‌هایتان این بود که ما امام ورهبری نداریم به سوی ما بشتاب تا خداوند ما را به وسیله تو به حق رهنمون سازد. اکنون‌برادر دینی و پسرعمویم (مسلم بن عقیل و مطمئن‌ترین فرد خاندانم را به سوی شما گسیل می‌دارم و به او فرمان داده‌ام که از نزدیک با آرا و افکار شما آشنا شود و گزارش آن را به اطلاع من برساند. اگر خواسته توده مردم و آگاهان و خردورزان شما همان باشد که در نامه‌ها به من نوشته‌اید و پیک‌های شما به من گفته‌اند، من نیز اگر خدا بخواهد، به زودی‌به سوی شما حرکت می‌کنم به خدا سوگند! پیشوای بر حق فقط کسی است که به کتاب‌خدا عمل کند، دادپیشه باشد، سر به حق بسپارد و جانش را وقف خدمت به دین ذات‌اقدس الهی کند».

سخنرانی برای سپاه حر

کاروان نور وایثار در منزل «شراف فرود آمده بود که سپاهیان ظلم و ظلمت از راه رسید. حر بن یزید ریاحی به فرماندهی هزار نفر از مردان کوفه برای کنترل و دستگیری امام حسین (ع) حرکت کرده بود. هنگام اذان ظهر شد و حضرت به حجاج بن مسروق دستور داد تا اذان بگوید آنگاه به حر گفت تو با ما نماز می‌خوانی یا با سپاهیانت حر درپاسخ گفت همگی با هم نماز می‌خوانیم پس از برگزاری نماز جماعت سیدالشهدا (ع) به سخنرانی پرداخت و فرمود:«یا ایُّها الناس انّها معذرهٔ الی الله و انّی لم آتکم حتی أتتنی کتبکم وقدمت بهارسلکم أن تقدم علینا فانه لیس لنا امام و لعل‌الله ان یجمعنا بک علی الهدی فان کنتم‌علی ذلک فقد جئتکم فأعطونی ما اطمئنّ به من عهودکم و مواثیقکم وان کنتم لمقدمی‌کارهین انصرف عنکم الی المکان الذی جئت فیه الیکم ای مردم این سخنان من به جهت اتمام حجت بر شماست تا در پیشگاه خداوندنیز مسؤولیّتی نداشته باشم من بی‌جهت به سوی شما نیامدم اگر بدین نوشته هایتان وفادارید، اکنون من آماده‌ام و شما نیز با من پیمانی استوار ببندید و مرا از همکاری خودتان مطمئن سازید (تاحکومت دینی را بر پا و حکومت یزیدی را سرنگون کنیم و اگر از آمدن من ناخرسندید، من حاضرم به محلی برگردم که از آن جا آمده‌ام .

دومین سخنرانی امام

همچنین پس از برگزاری نماز عصر در منزل «شراف ، امام (ع) برای دومین بار سخنرانی کرد و فرمود: «أما بعد، ایّها الناس فانکم ان تتّقوا الله و تعرفوا الحقّ لاهله یکن أرضی لله عنکم و نحن أهل بیت محمد (ص) اولی بولایهٔ هذا الامر علیکم من هؤلاء المدّعین ما لیس لهم و السّائرین فیکم بالجور و العدوان و ان أبیتم الاّ الکراههٔ لنا والجهل بحقّنا و کان رأیکم الان غیر ما أتتنی به کتبکم انصرف عنکم ای مردم اگر ازخدا بترسید و حق را به حق دار بدهید. برای خداوند پسندیده‌تر است ما دودمان حضرت محمد (ص) برای تشکیل حکومت دینی و احراز ولایت و رهبری مردم از خاندان امیه سزاوارتریم آنان که به ناحق مدعی این مقام هستند و هماره در

راه ستم و تجاوز گام برمی‌دارند، اگر در رویگردانی از ما و شناختن حق ما پا می‌فشارید و از نوشته‌ها و دعوت‌نامه‌های خودتان دست برداشته‌اید، من حرفی ندارم و از همین جا برمی گردم »

دو یاد سپاری مهم

۱ـ از این سخنرانی‌های سرور آزادگان به روشنی بر می‌آید که امویان فاسد و مفسد، هیچ گونه صلاحیتی برای تصدی خلافت را ندارند و تنها خاندان رسالت سزاوار به دست گرفتن زمام حکومت دینی است لیکن در این میان پرسشی است که باید بدان پرداخت اگر سپاهیان کوفه آن حضرت را رها می کردند، او از مبارزه دست بر می‌داشت و به مدینه باز می گشت در پاسخ باید گفت این سخنان حضرت جنبه اتمام حجت دارد که با هشدار دادن به آنان و طرح دعوت‌نامه‌هایشان دل خفته آنان را بیدار و ضمیر خاموش آنان را روشن سازد تا هیچ گونه عذر و بهانه‌ای نداشته باشند.۲ ـ خداوند، ولیّ و اختیاردار همه جهان هستی به ویژه انسان است چون آفریدگار اوست و ولایت امت اسلامی از سوی خداوند به پیامبر (ص) واگذار شده است (النّبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم و رسول خدا (ص) سکه این ولایت را در موارد گوناگون مانند«غدیر خم به نام علی ابن ابی‌طالب (ع) و فرزندان او زد. پس ولایت و امامت الهی جای گفت و گو نیست محور سخن رهبری ظاهری و به دست گرفتن قدرت اداره جامعه است بسی روشن است که اگر مردم آمادگی بیعت نداشته باشند، هیچ امامی حکومت اسلامی‌را نمی‌تواند بر پا کند؛ مگر علی بن ابی طالب (ع) به همین دلیل ۲۵، سال خانه نشین نشد؟ مگر تشکیل حکومت علوی پس از بیعت مردم نبود؟آری مشروعیت ولایت و امامت اهل بیت (ع) از سوی خداوند است و مردم در این زمینه هیچ گونه نقشی ندارند، ولی مقبولیت حکومت آنان در گرو پذیرش و بیعت مردم است و اگر مردم آمادگی بیعت نداشته باشند، این تکلیف از رهبران الهی ساقط است هرچند آنان هیچ گاه از تشکیل حکومت عدل غفلت نمی‌ورزند و هماره در صدد زمینه سازی برای برپایی آن هستند.از این رو امام حسین (ع) به آنان فرمود: «اگر دست بیعت با من می‌دهید و دربرپایی حاکمیت دینی مرا یاری می کنید، من نیز با شما هماهنگ می‌شوم و همراه شما می کوشم تا نااهلان را از مسند قدرت پایین بکشیم ولی اگر شما چنین نظری ندارید،پس چنین تکلیفی بر من نیست نه بدین معنا که از مبارزه دست بر می‌دارم و حاکمیت یزید را به رسمیت می‌شناسم هرگز، بلکه بدین معنا که از وعده همکاری شما برای تشکیل دولت اسلامی قطع امید می کنم و راه دیگری را در مبارزه علیه طاغوت زمان پیش روی خود قرار می‌دهم آری عزت و افتخار حسینی در این است فَقتلُ امرءٍ بالسّیف فی الله أفضل سأمضی ومابالموت عارُ علی الفتی‌هیهات منّ الذّله لا أعطیهم بیدی اعطاء الذّلیل ولا أقّرمنهم فرار العبید»با این همه آیا او حکومت ننگین امویان را به رسمیت می‌شناسد و از مبارزه با آنان دست می کشد؟همچنین در سخنرانی امام (ع) در منزل «بیضه آمده است «.. وقد أتتنی کتبکم و قدمت علیّ رسلکم ببیعتکم انکم لا تسلّمونی و لاتخذلونی فان اتمتم علیّ بیعتکم تصبیوا رشدکم فأنا الحسین بن علی و ابن فاطمه بنت رسول الله (ع) نفسی مع أنفسکم و أهلی مع أهلیکم و لکم فیّ أسوهٔ و ان لم تفعلوا و نقضتم عهدکم و خلّفتم بیعتی من أعناقکم ما هی لکم بنکر، لقد فعلتموها بأبی و اخی و ابن عّمی مسلم پیام شما در نامه‌ها و زبان پیک هایتان این بود که با من بیعت کرده‌اید تا علیه یزید مبارزه کنیم ومرا در برابر دشمن تنها نگذارید و دست از یاری من برندارید؛ پس اگر به عهد خودتان وفادار باشید، به سعات و رشد دست می‌یابید؛ زیرا من حسینم فرزند علی و فاطمه دختر پیامبرتان در این صورت من و خانواده‌ام در کنار شما و خانواده هایتان خواهم بود ومیان من و شما هیچ گونه فاصله و طبقه‌ای نخواهد بود و من الگو و رهبر شما خواهم شد و اگر پیمان خود شکستید و از بیعت با من تخلف ورزیدید، این عمل شماپیشینه دارد. به خدا سوگند! شما با پدرم علی (ع) و برادرم حسن (ع) و پسر عمویم مسلم نیز چنین کردید»

یاد سپاری مهم

سخن از بیعت گفتن وآن را چندین بار تکرار کردن برای تفهیم این معناست که من و شما هم پیمان شدیم تا من رهبر شما باشم و حکومت امویان را سرنگون و دولت اسلامی را برپا کنیم پس این همه وعده‌ها کجا رفت

جایگاه والای امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

احیای امر به معروف و نهی از منکر و آموزش آن دو به امت اسلامی یکی از مقاصد آن حضرت به شمار می‌رود: «اللهمّ انّی أحبّ المعروف و أنکر المنکر».بی‌شک نخستین سنگ بنای هر جامعه‌ای «قانون است و بدون آن دستیابی به فلاح و رستگاری و ساحل امن خیالی است خام لیکن «قانون به تنهایی بس نیست بلکه باید مجری آگاه و ناظر امینی نیز در کار باشد. در تمامی نظام‌های سیاسی فرد یاگروهی مأمور اجرای قانون و نیز نظارت بر چگونگی اجرای آن هستند؛ اما در نظام‌سیاسی اسلام افزون بر برگزیدگان خاص تعریف شده قانونی تمامی افراد جامعه‌اسلامی وظیفه نظارت بر اجرای قانون و پاسداری از حریم آن را بر عهده دارند. این نظارت عمومی اسلامی که وظیفه بسیار سترگ و سنگین و ضامن اجرای عدل و داد و دستیابی آحاد جامعه به کمال و سعادت است «امر به معروف و نهی از منکر» نام دارد.با تأسف فراوان این نسخه شفابخش و این فریضه گران سنگ به وادی فراموشی سپرده شده یا در سایه عدم آگاهی از شرایط شیوه‌ها و مراتب آن به زهر کشنده و نسخه ویرانگری بدل گشته است زیرا آن که بدون شناخت رویکرد به عملی داشته‌باشد، چون رونده‌ای است که در مسیر غلط حرکت می‌کند و هر چه شتابش بیش دوری از مقصد و گمراهی‌اش بیشتر است «العامل علی غیر بصیرهٔ کالسائر علی غیر الطریق لایزیده سرعهٔ السیر الاّ بعداً».به راستی ریشه این سهل انگاری و فراموش کاری چیست امام باقر (ع) در سخن نورانی اش به این پرسش پاسخ می‌دهد و آن را «دنیا دوستی و لذت جویی می‌داند:«یکون فی آخر الزّمان قوم یُتّبع فیهم قوم مُرائون یتقرّئون و ینتسکون حُدثاء سفهاء، لا یوجبون أمراً بمعروف و لا نهیاً عن منکر، الا اذا أمنوا الضرّر، یطلبون لانفسهم‌الرُّخص و المعاذیر، یتّبعون زلاْهٔ العلماء و فساد عملهم یُقبلون علی الصّلاهٔ و الصّیام و مالا یُکلّمهم فی نفس و لا مال و لو أضرّت الصّلاهٔ بسائر ما یعملون بأموالهم و أبدانهم لرفضوها کما رفضوا أسمی الفرائض و أشرفها؛در آخر الزمان گروهی پدیدار می‌گردند که ریاکاران و عابد نمایان و نادانان تازه به دوران رسیده را الگوی خود می‌دانند و از آنان پیروی می‌کنند. آنان فرمان دادن به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها را واجب نمی‌شمارند، مگر زمان که از این طریق آسیب نبینندهمواره در پی راه گریز و بهانه جویی و عذر تراشی هستند. دنبال عیب جویی و جست و جوی لغزش‌های دانشمندان و آشکار ساختن رفتارهای زشت آنان هستند رویکرد آنان به نماز و روزه و سایر اعمالی است که به مال و جانشان آسیب نرساند، لیکن اگر نماز نیز به مال و جان آنان ضرری داشته باشد، از آن گریزانند، همان گونه که بلند پایه‌ترین و گران سنگ‌ترین واجبات (امر به معروف و نهی از منکر) را رها کرده‌اند».

مهم ترین ویژگی جامعه اسلامی

قرآن مجید،مهم‌ترین ویژگی حکومت اسلامی و جامعه دینی را رواج وگسترش‌فریضه ارجمند امربه معروف و نهی از منکر می‌شمارد (کنتم خیر اُمهٔ اُخرجت للنّاس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر) (ولینصرن‌الله من ینصره انّ الله لقویّ‌عزیز – الّذین ان مکّنّاهم فی الارض أقاموا الصّلاهٔ و ءاتوا الزّکاهٔ و أمروا بالمعروف و نهوا عن‌المنکر و لله عاقبهٔ الامور).همچنین خداوند سبحان یکی از ویژگی‌های برجسته پیامبر اکرم را در کتاب‌های تورات و انجیل ـ که بشارت آمدن او را داده‌اند ـ امر به معروف و نهی ازمنکر یاد می‌کند:(الّذین یتّبعون الرّسول النّبی الاُمّی الّذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوراهٔ و الانجیل یأمرهم بالمعروف و ینهیهم عن

المنکر)

حقیقت والای امر به معروف

اشاره

واژه «امر و نهی به معنای «فرمان دادن و بازداشتن است ناگفته پیداست که همگان دارای چنین مقامی نیستند و صلاحیت دستور دادن را ندارند؛ زیرا دستیابی به جایگاهی که حرف انسان سکه قبولی خورده مطلوب و محبوب دیگران باشد، بسیار دشوار است ازاین رو، باید بسیاری ازموارد مشابه را ارشاد و نصیحت و موعظه نامید، نه فرمان‌به فعل و بازداشتن از کاری گفتنی است که این هم در جای خود، وظیفه همگانی و کاری بسیار ارزشمند است و برکات فراوانی نیز در پی دارد.بنابراین اگرکسی از چنین موقعیت اجتماعی مقبولی برخوردار باشد،وظیفه او سنگین و ایفای رسالتش پیچیده‌تر و دشوارتر است او لحظه‌ای نمی‌تواند درنگ کند و شاهد ترک معروف یا فعل منکری در جامعه اسلامی باشد و گرنه در پیشگاه ذات اقدس‌الهی مسؤول و معاقب خواهد بود.در پایان باید گفت خداوند والا، نوعی ولایت مؤمنان بر یکدیگر را در این آیه کریمه بیان کرده است (المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر...) پس با استناد به این آیه لزوم رویکرد به امرو نهی را می‌توان ثابت کرد.

زیباترین راهکار

اشاره

اصولاً در فرهنگ وحی امر به معروف و نهی از منکر، یک حرفه نیست بلکه هنری تربیتی و سنگری برای دفاع از دین است احیاگر معروف هنرمند این صحنه انسان سازی و مجاهد نستوه این میدان مبارزه است و هدفی جز اصلاح و تکامل و رشد تک تک افراد جامعه را دنبال نمی‌کند.شایان توجه است که فرمان دادن به زیبایی‌ها و بازداشتن از زشتی‌ها، تحمیل یک فکر نیست بلکه نوعی احیای تفکّر و خیزش انگیزش است و در حقیقت به گونه‌ای اتمام حجّت است که در جهت پاسداری از مرزهای دینی و ایجاد وحدت و اتحادِ مبتنی برپند و نصیحت است که با بهترین و مستدل‌ترین شیوه‌ها انجام می‌شود:(أبلّغکم رسالات ربّی و أنصح لکم .(ادع الی سبیل ربّک بالحکمهٔ و الموعظهٔ الحسنهٔ و جادلهم بالّتی هی احسن .از این رو محور تمامی دستورهای دینی بستر سازی مناسب برای ایجاد پاکی و پاکیزگی انسان‌ها و خشکاندن زمینه‌های انحراف و آلودگی است بی‌شک معروف بذر پاکیزه‌ای است که برای رشد و بالندگی اش شرایط ویژه‌ای نیاز دارد، همان‌گونه که گناه نیز تخم گندیده و میکروب هستی سوزی است که برای بقای حیاتش زمینه مساعدی می‌طلبد.پس برای احیای فریضه گران پایه امر به معروف و نهی از منکر، فراهم آوردن زمینه‌های رشد معروف و افول منکر، بسیار ضروری است زیرا آن که بذر قیمتی را در زمینی شوره زار بریزد، انرژی خود را هدر داده سرمایه‌اش را تلف کرده است بنابراین زیباترین و بهترین شیوه کارآمد، رویکرد به اقدامات علمی و عملی برای از میان برداشتن منکر و گسترش معروف در جامعه است که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

تلاش‌های علمی و آموزشی

از آنجا که حکمتِ برانگیخته شدن پیامبران و هدف از مجاهدتهای صالحان هدایت کردن انسانهاست ساماندهی زمینه هایی برای آموزش آنها از مهمترین وظایف رهبران الهی است از این رو، باید توده مردم به ویژه نسل جوان با دستورهای کتاب آسمانی و سیره اهل بیت عصمت و طهارت و کوششهای مستمر آنان درباره احیای واجب سترگی چون امر به معروف آشنا شوند. دراین زمینه

به چند نمونه بسنده می کنیم ۱. امام علی میفرماید: «وما أعمال البّر کلّها و الجهاد فی سبیل الله، عند الامربالمعروف و النهی عن المنکر الاکنفثهٔ فی بحر لُجّی»چنانچه اعمال صالح رابایکدیگر ارزیابی کنیم و تمامی آنها را دریک کفّه ترازوقراردهیم حتی گل سرسبد کردارهای نیکو که همان حضور در جبهه‌های نبرد و میدان‌جهاد است و امربه معروف را در کفّه دیگر آن بگذاریم کفّه دوم بسیار سنگین می‌شود.همه کارهای عبادی انسان در مقابل فریضه ارجمند امر به معروف مانند کفی بر رویاقیانوس بیکرانی است که هیچ گونه مقایسه‌ای میان آنها، شدنی نیست ۲. امام باقر می‌فرماید: «انّ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء ومنهاج الصّلحاء، فریضهٔ عظیمهٔ بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحلّ المکاسب و تردّ المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الاعداء و یستقیم الامر؛ فرمان دادن به خوبی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها راه پیامبران و شیوه صالحان است آن دو، عامل تحقق امنیت فرهنگی اقتصادی و اجتماعی است اجرای احکام الهی و دستورات دینی برقراری عدالت اجتماعی امنیت سازندگی استواری و پایداری نظام اسلامی وسلامت اقتصادی و برچیده شدن ظلم وستم همه و همه از برکات احیای این فریضه بس بزرگ است .۳. پیامبر اکرم در ایام خردسالی اش که در کنار حلیمه سعدیه به سر می‌برد، از مادرش پرسید: برادرانم کجا می‌روند؟ او گفت آنان گوسفندان را به بیابان و چراگاه می‌برند. حضرت فرمود: «یا أمّاه ما أنصفتنی ای مادر! انصاف به خرج ندادی .آنگاه در پاسخ حلیمه که علت را جویا شد، حضرت این گونه پاسخ داد:«أکون أنا فی‌الظّلّ و اخوتی فی الشمس و الحرّ الشدید و أنا أشرب منهااللّبن چگونه است که من درسایه بیاسایم و برادرانم در زیر آفتاب و گرمای سوزان آن باشند و من از شیر آن گوسفندان بیاشامم .۴. پس از انعقاد پیمان حدیبیه و پیمان شکنی مشرکان مکه ابوسفیان به فکر چاره افتاد و برای تجدید پیمان و عذرخواهی از پیامبر، مخفیانه وارد مدینه شد و به دنبال واسطه‌ای بود که مقبول آن حضرت باشد. نخست در خانه علی بن ابی طالب (ع) را زد و تقاضایش را با او در میان گذاشت ولی آن بزرگوار نپذیرفت در این هنگام ناگهان چشمش به حسن بن علی (ع) افتاد که در کنار مادرش زهرا(س نشسته است ابوسفیان با اشاره به حسن (ع)، خطاب به فاطمه س گفت ای دختر محمد (ص)! از این کودک بخواه تا نزد پدربزرگش از ما شفاعت کند تا عرب و عجم رهین منت خویش سازد و برهمگان سروری یابد.آنگاه امام حسن (ع) جلو رفت و یک دست خود را بر بینی آن ملعون مکار نهاد و با دست دیگرش ریش وی را گرفت و فرمود: «یا أباسفیان قل لا اله الا الله، محمد رسول‌الله، حتّی أکون شفیعاً».

اقدامات عملی

برای زدودن منکرات از چهره زیبای جامعه اسلامی و واداشتن افراد به رعایت حدود الهی تنها به گفتار نمی‌توان بسنده کرد بلکه افزون بر آموزشهای علمی رویکردهای عملی مناسبی را باید در پیش گرفت خداوند بزرگ به مسلمانان فرمان داده‌است که هنگام لزوم با اقدامات عملی حساب شده از شکسته شدن مرزهای دین الهی جلوگیری کنند. شاید برخی گمان کنند که مراد از اقدامات عملی کارهای خشونت‌آمیزی مانند زدن و دستگیر کردن و... باشد، ولی مقصود ما زمینه سازی بنیادین برای احیای معروف و مرگ منکر در جامعه است که آن را در سه محور خلاصه می کنیم ۱. خشکاندن زمینه‌های گناه و آلودگی درمان مشکلات اقتصادی فقر،وضعیت ناگوار و ناپسندی است که زمینه بسیاری از گناهان را فراهم می کند. رسولخدا (ص) فرمود: «کاد الفقر أن یکون کفراً». بسیاری از مفاسد اقتصادی زاییده فقرند؛یعنی اگر گناهکار، فقیر نبود، به این راهها کشیده نمی‌شد. بدین جهت ائمه اطهار (ع)،امر به معروف و نهی از منکر را با کمک‌های مالی همراه می کردند. پیامبر اسلام پس از فتح اعجازآمیز مکه همه دشمنان خویش و سران قریش را امان داد و چون غزوه حنین رخ داد و مردمان مکه او را در این نبرد همراهی کردند، حضرت پس از تقسیم عمومی غنایم جنگی ۱۵ آن را که سهم خودش بود، به سران مکه بخشید که بسیاری از آنان‌دشمنان دیرینه او بودند. امام کاظم (ع) در این زمینه می‌فرماید: «آنان گروهی بودند که خدا را به یگانگی پذیرفته بودند و پرستش غیر خدا را رها ساخته بودند،ولی اعتقاد

به نبوت حضرت محمد (ص) در دلشان رسوخ نکرده بود، از این رو، پیامبر با آنان انس‌می گرفت .. بخشی از صدقات و غنایم جنگی را به آنان می‌بخشید تا شناخت راستین و تمایل به دین الهی در دلشان پدید آید.»ابن عباس در تفسیر آیه شریفه (رجال لا تلهیهم تجارهٔ ولابیع عن ذکر الله و اقامالصلاهٔ چنین می گوید: «به خدا سوگند! مراد از این آیه علی بن ابی طالب است زیرا روزی رسول خدا سیصد دینار به ایشان هدیه کرد، او دینارها را گرفت و با خود گفت به خدا سوگند! من امشب با این پولها صدقه‌ای خواهم داد که خداوند از من بپذیرد.از این رو، پس از نماز عشا از مسجد بیرون آمدم و زنی را دیدم که از من کمک طلبید؛ صد دینار به او دادم ولی چون فردا صبح پیش مردم آمد، آنان به یکدیگر می گفتند: علی دیشب به یک زن آلوده صدقه داده است سخت اندوهگین شدم و فردا شب که نماز عشا را خواندم صد دینار دیگر برداشتم و با خود گفتم به خدا سوگند! امشب صدقه‌ای خواهم داد که خداوند از من پذیرا باشد. آنگاه مردی را دیدم و دینارها را به او دادم فردا صبح از مردم شنیدم که چنین می گفتند: علی دیشب به یک دزد، صدقه داده است بسیار غمگین شدم و محضر رسول خدا شرفیاب شدم و داستان را بازگو کردم حضرت فرمود: اکنون جبرئیل از سوی خدا خبر آورد که صدقات تو پذیرفته شده است زیرا آن زن آلوده و مرد دزد، پس از بازگشت به خانه از گناهانشان توبه کردند و با همان صد دینار به کسب و تجارت پرداختند و آن مرد ثروتمند که چندین سال زکات مالش را نداده بود، خودش را سرزنش کرد و گفت من چقدر بخیل هستم با این که علی مالی ندارد، صد دینار صدقه می‌دهد، ولی سالهاست که من زکات بدهکارم و سرانجام توبه کرد و زکاتش را پرداخت ای علی خداوند درباره صدقه تو، این آیه را فرو فرستاد».۲. برچیدن شهوات و زمینه‌های فساد جنسی فساد در جامعه چون آتشی است که همگان در آن می‌سوزند و همه ارزشهای دینی و انسانی در این آتش خاکستر می‌شود. تنها راه مبارزه با این مشکل اجتماعی اجرای حدود یا امر و نهی گفتاری و زندان و شلاق نیست گرچه همه اینها لازم است غریزه قدرتمند شهوت را با سفارش‌ها و نصایح اخلاقی و نیز شلاق نمی‌توان مهار کرد، تا زمانی که راه ازدواج برای جوانان بسته است و گردنه‌های سختی پیش روی آنان نهاده شده است فساد اخلاقی و جنسی جوانان اجتناب‌ناپذیر است پسندیده‌ترین راه برای پاک شدن جوانان و رهیدن آنان از دام غریزه تند خوی شهوت فراهم کردن زمینه ازدواج آنان است امام صادق (ع) می‌فرماید: «مردی را که استمنا کرده بود، نزد امام علی (ع) آوردند.حضرت چنان با شلاق به دستهای او زد تا سرخ شد، آنگاه از بیت المال هزینه ازدواج او را پرداخت و او را همسر داد.».۳. نابودسازی زمینه‌ی فکری گناه گاه با پیشگیری‌های برنامه ریزی‌شده منکرات بسیاری را می‌توان برطرف کرد یا از شدت و کثرت آن کاست هنگامی که احتمال می‌رود برخی از سخن یا رفتار کسی برداشت ناروا کنند یا به اشتباه بیفتند، بایداین زمینه را نابود کرد. در سیره معصومان می‌بینیم که پیامبر، برای پیشگیری از گمراهی مردم در زمان حیاتش علی بن ابی طالب را «امیرالمؤمنین خواند و گروهی از اصحابش را فرمان داد تا با این عنوان به وی سلام کنند. در پایان فرمود: «شما را برای این دعوت‌کرده بودم که شاهدان خدایی باشید؛ خواه این شهادت را به دیگران برسانید یا آن راپنهان سازید.»همچنین امام صادق (ع) برای پیشگری از گمراهی مردم و نیفتادن در دامبدعت‌گذاران هنگام مرگ پسر بزرگش اسماعیل گروهی از یارانش را جمع کرد و چندین بار (هنگام غسل دادن کفن کردن دفن کردن از آنان گواهی گرفت که فرزندش اسماعیل مرده است آنگاه دست فرزند کوچکش موسی را گرفت و فرمود: «او حق است وحق با اوست و از اوست تازمانی که خداوند زمین و آنچه را در زمین است به ارث برد.»همچنین امام کاظم (ع) در مراسم حج به زیاد قندی فرمود: «ای زیاد! این فرزندم علی سخنش سخن من و کردارش کردار من است هرگاه نیازی داشتی از او بخواه و سخنش را بپذیر، او چیزی جز حق را به خداوند نسبت نمی‌دهد.» گفتنی است سرانجام زیاد قندی از سران فرقه واقفیه شد، به او گفتند، مگر تو خودت سخن امام کاظم را درباره فرزندش علی نقل نکردی وی گفت اکنون وقت این حرفها نیست ..

پاداش آمران و ناهیان

در قرآن مجید و روایات اهل بیت پاداش‌های فراوانی برای احیاگران امر به معروف و نهی از منکر یاد شده است که به ذکر برخی از آنها بسنده می کنیم ۱ ـ پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «مَن أَمَرَ با المعروف و نهی عن المنکر فهو خلیفةالله فی ارضه و خلیفهٔ رسول‌الله وخلیفهٔ کتابه احیاگر این فریضه والا، شایستگی رسیدن به مقام گرامی خلافت خدا، رسول و قرآن را پیدا کرد».۲ـ نیز از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «أَلاـ أُخْبِرُكُم عَنْ أَقْوامٍ لَيْسُوابِأَنْبِياءَ وَلاـ شُهَداءَ، يَغْبِطُهُم يَوْمَ الْقِيامَةِ، الاَنْبِياءَ وَالشُّهَداءُ بِمَنازِلِهِم مِنَ اللهِ عَلى مَنابِرَ مِنْ نُورٍ يُعْرَفُونَ؟ قالُوا: وَمَنْ هُم يارَسُولَ اللهِ؟ قال: الَّذينَ يُحَبِّبُونَ عبادَ اللهِ الَی اللهِ وَيُحَبِّبُونَ اللهَ الى عِبادِهِ. قُلْنا: هذا حَبَّبُوا اللهَ الى عِبادِهِ، فَكَيْفَ يُحَبِّبُونَ عِبادَ اللهِ الَی اللهِ؟ قال: يَأْمُرُونَهُم بِما يُحِبُّ اللهَ وَيَنْهَوْنَهُم عَمّا يَكْرَهُ اللهُ فَاذا أَطاعُوهُم أَحَبَّهُمُ اللهُ عَزَّ وَجَلَ»؛آیا مردمانی را به شما معرفی کنم که از سلسله پیامبران و شهیدان نیستند، ولی دارای مقامات نورانی و بلندی هستندکه همگان به آن غبطه می‌ورزند؟ یاران گفتند:آری یا رسول الله. فرمودند: آنان که بندگان خدا را محبوب خدا و خدای بزرگ را محبوب بندگانش می کنند، حرکت آنها در زمین آمیخته با نصیحت و ارشاد است گفته شد: ای‌پیام آور حق و حقیقت معنای جمله دوّم روشن است که ذات اقدس الهی را معرفی‌می کنند و محبت او را در دلهای مردم زیاد می گردانند؛ لیکن مفهوم جمله اول برای ماروشن نیست چگونه بندگان خدا را محبوب او می گردانند؟فرمودند: به آنها فرمان می‌دهند تا اعمالی را که خدا دوست دارد، انجام دهند و کارهایی را که او نمی‌پسندد، ترک کنند و هنگامی که مردم به سخنان و ارشادهای آنها جامه عمل پوشاندند، خداوند سبحان چنین مردمی را دوست می‌دارد».

پیامدهای شوم ترک نهی از منکر

از آنجا که این دو فریضه گرانسنگ از اهمیت ویژه فردی و اجتماعی برخوردار است ترک آن دو نیز پیامدهای شومی را در بردارد. در این زمینه به روایات زیر توجه فرمایید:۱. تغییر فرهنگ عمومی جامعه امام صادق (ع) می‌فرماید: روزی رسول خدا (ص)به مردم گفت چگونه است حال شما، هنگامی که زنانتان فاسد و جوانانتان فاسق می‌شود و شما امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید؟ مردم گفتند: آیا چنین چیزی شدنی است پیامبر (ص) فرمود: بدتر از آن خواهد شد؛ چگونه است حال شما، زمانی که به منکر، فرمان می‌دهید و از معروف باز می‌دارید؟ مردم گفتند: آیا چنین چیزی شدنی است رسول خدا (ص) فرمود: آری بدتر از این نیز رخ خواهد داد؛ چگونه است حال شما، آنگاه که معروف را منکر و منکر را معروف می‌شمارید؟».۲. چیرگی فساد و حاکمیت فاسدان ومفسدان ۳. عدم استجابت دعا: امام علی (ع) فرمود: «لا تَتْرُكُوا الامرَ بِالمعروفِ والنَّهیَ عَنِ المُنكرِ، فَيُوَلّی عَلَيكم شِرارُكُم ثُمَّ تَدْعُونَ فَلا يُسْتَجابُ لَكُم».۴. هرج و مرج اجتماعی و گرفتاری در منجلاب‌های فساد.۵. رخت بر بستن برکات از جامعه رسول خدا (ص) فرمود: «همواره امت من درمیان زیبایی‌ها و نیکیها هستند، تا زمانی که به معروف فرمان دهند و از منکر، باز دارند و در نیکوکاری همدیگر را یاری دهند، لیکن هنگامی که چنین نکردند، برکات از جامعه آنان برچیده می‌شود، هرج و مرج در جامعه رواج می‌یابد و به گونه‌ای گرفتار می‌شوند که کسی به یاری آنان نمی‌شتابد».

برکات احیای امر به معروف

همان گونه که ترک آن دو، پیامدهای شومی را در بردارد، احیای آن دو نیز برکات بسیار خوبی را برای فرد و جامعه اسلامی به ارمغان می‌آورد. در این زمینه نیز برخی از روایات را بررسی می‌کنیم ۱. دلگرمی مؤمنان و نگرانی کافران «فمن أمر بالمعروف شدّ ظهور المؤمنین و من نهی عن المنکر أرغم أنوف الکافرین .۲. پایداری دین و ضمانت اجرایی برای احکام آن امام علی (ع) فرمود: «قوام الشریعهٔ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و اقامهٔ الحدود».۳. حاکمیت زیبایی‌ها در جامعه رسول گرامی اسلام (ص) فرمود:«لا تزال امّتی بخیر ما أمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و تعاونوا علی البرّ...».همچنین امام باقر (ع) فرمود: «ان الامر بالمعروف

والنهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء، فریضه عظیمه بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحلّ المکاسب و تردّ المظالم و تعمّر الارض و ینتصف من الاعداء و یستقیم الامر».

توضیح مفهوم و مصداق معروف و منکر

«معروف از ریشه «عرف به معنای شناخته شده و «منکر» از اصل «نکر» به معنای ناشناخته است و در فرهنگ دینی نیز به معنای آن رفتار و گفتاری است که از دیدگاه عقل و نقل مطلوب و پسندیده یا نامطلوب و نکوهیده است بدین مناسبت شایسته است که برخی از مصادیق معروف و منکر را از نظر بگذرانیم ۱. معروف فرهنگی تلاش برای ارتقای سطح فکری و آگاهی‌های جامعه به ویژه نسل جوان آسیب‌شناسی‌های فکری و معنوی جوانان آمادگی در برابر تهاجم فرهنگی دشمن بیان ویژگی‌های خودی و غیر خودی و تعیین مرزها...۲. معروف سیاسی حفظ دستاوردها و ارزشهای انقلاب اسلامی دفاع از کیان نظام اسلامی حضور در صحنه‌های انقلابی صبر و بردباری در مشکلات انقلاب حرمت نهادن به قوانین نظام اسلامی پاسداری از موهبت گرانسنگ ولایت فقیه ..۳. معروف نظامی جهاد در راه خدا؛ پاسداری از مرزهای کشور اسلامی تقویت بنیادهای دفاعی کشور؛ فراگرفتن فنون نظامی آمادگی و بسیج همگانی برای دفاع از نظام اسلامی ..۴. معروف اداری برخورد شایسته و خداپسندانه با ارباب رجوع دقت در حفظ بیت‌المال مسلمانان داشتن نظم و وجدان کاری ..۵. معروف علمی بر دانش‌آموزان عزیز و دانشجویان گرامی معلمان و اساتید آنان واجب است که در امر آموزش بسیاربکوشند و فرصت‌ها را غنیمت بشمرند و آموزه‌های سودمند را در اختیار شکوفایی و تکامل نظام اسلامی قرار دهند. همچنین بر طلاب و اساتید حوزه‌های علمیه لازم است علوم الهی را به گونه شایسته به جامعه اسلام عرضه کنند مردم را به حقایق دینی آشنا سازند.۶. منکر سیاسی تحت تأثیر تبلیغات منفی دشمنان انقلاب قرار گرفتن نشر اکاذیب و پخش شایعه‌های بی‌اساس دلسرد و ناامید کردن مردم از نظام و انقلاب بازداشتن مردم از حضور در صحنه‌های سودمند اجتماعی شرارت و فتنه انگیزی جاسوسی برای دشمنان نظام حزب گرایی و زیر پانهادن منافع ملی اهانت به نظام و رهبری و ولایت فقیه نادیده گرفتن خدمات نظام و برجسته کردن کاستی‌ها؛ حمایت ناآگاهانه یا هوس مدارا نه از فرد یا گروهی خاص ..۷. منکر فرهنگی عقبگرد به سنت‌های دوران طاغوت و احیای مراسم شاهنشاهی مانند چهارشنبه سوری و سیزده بدر و...؛ گرایش به فرهنگ بیگانه برهنگی فرهنگی و رویکرد به فرهنگ برهنگی ترویج فساد و بدحجابی در جامعه ترویج تن‌پوشهای مبتذل ..۸. منکر اداری بی‌نظمی در کار؛ دزدیدن از وقت کاری رشوه‌گیری بی‌حرمتی به مردم و ارباب رجوع ..

شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

دهها آیه از قرآن مجید، لزوم این نظارت همگانی را ثابت می‌کند؛ لیکن فقیهان بزرگوار، شرایطی را که برگرفته از مجموع آیات و روایات است در وجوب امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرده‌اند که توجه خوانندگان گرامی را به آنها جلب می‌کنیم ۱. مفهوم و مصداق معروف و منکر را بشناسد.۲. احتمال تأثیر داشته باشد وگرنه لغو است لیکن مراد از اثر، اثر نقد و بالفعل نیست اگر احتمال دهد که در آینده مؤثر خواهد شد یا از تکرار منکر، پیش‌گیری خواهد کرد یا در بازدارندگی دیگران اثر خواهد داشت یا سبب اتمام حجت بر همگان خواهد شد، نهی از منکر واجب است ۳. تارک معروف و فاعل منکر بر ادامه رفتارش پافشاری داشته باشد وگرنه با صدور یک گناه از فردی و توبه از آن دیگران هیچ وظیفه‌ای ندارند.۴. ضرر و مفسده بزرگ‌تری در کار نباشد؛ این شرط در صورتی است که ضرر جمعی و دینی در میان نباشد وگرنه باید اهم و مهمّ رعایت شود.۵. آمر و ناهی باید عادل باشد و به گفته هایش عمل کند؛ این مورد از شرایط کمال است زیرا بدون آن نمی‌تواند در دیگران اثر گذار باشد.در پایان شایسته است که مراتب سه گانه امر و نهی را نیز باز گویم ۱. رفتاری ۲. گفتاری ۳. برخورد عملی مرتبه یکم و دوم همگانی است ولی مرتبه سوم از

اختیارات حکومت اسلامی است و بایـد زیر نظر فقیه عادل انجام شود. از این رو، بایـد سازمان جـداگانه‌ای شـکل گیرد و با نظارت مجتهد عادل این مرحله مهم نیز عملی گردد.عن الحسین بن علی (ع): «ألا ترون أنّ الحقّ لایعمل به و أنّ الباطل لا یتناهی عنه لیرغب المومن فی لقـاء الله؛ آیـا نمی‌بینیـد که مردم به حق عمل نمی‌کننـد و از باطل رویگردان نیستند؟ در این موقعیت حساس بر هر فرد با ایمانی بایسته است‌که با دشمنان دین بجنگد و جانش را در این راه قربانی کند و به لقای یار بشتابد.»

اجرای احکام و حدود دینی و جلوگیری از تعطیلی آنها

یکی از وظـایف حاکم اسـلامی اجرای احکام نورانی دینی است زیرا دین مجموعه‌ای از اعتقادات و اخلاقیات و احکام عملی اسـت که به وسـیله مردان آسـمانی ازسـوی خداونـد بزرگ برای هـدایت بشـر فرود آمـده است حراست از دین وظیفه همگـان‌است لیکن رهبران دین رسـالتی حسـاس‌تر و سـنگین‌تر دارنـد. از این رو،امام‌حسـین (ع) در لابه‌لای سـخنانش این جمله را گوشـزد می‌کنـد که برخی از آنها را بررسـی می‌کنیم الف در سـخنرانی سـرور آزادگان در منزل «بیضه آمده است «أیها الناس ... ألا وان هؤلاء قد لزموا طاعـة الشـیطان و ترکوا طاعة الرحمن و أظهروا الفساد وعطلوا الحدود و اسـتأثروا بالفیء وأحلّوا حرام‌الله و حرّموا حلال الله و أنا أحقّ ممَّن غیّر».آگاه باشید! دودمان پلید امیه به فرمان شیطان درآمده از اطاعت خدای رحمان سرباز زده‌اند، فساد را آشکار ساخته حدود الهی را به تعطیلی کشانده فیء ـ بخشـی از حق‌که مخصوص خاندان پیامبر است ـ را به خود اختصاص داده حلال و حرام خدا را جا به جـا کرده‌انـد. در این موقعیت حسـاس برای تغییر این همه فساد و منکرات کسـی شایسـته‌تر از من نیست .ب آغازین روز ورود به کربلاـ پس ازآن که کـاروان نور وایثـار در دوم محرم سـال ۶۱ هجری بـه کربلاـ وارد شـد و خیمه هـایش را برافراشت و در آن جا اسـتقرار یـافت در نخستین سـخنرانی خود در جمع یـارانش چنین فرمود: «...ألاـ ترون الی الحقّ لایعمـل به والی الباطـل لایتناهی عنه لیرغب المؤمن فی لقـاء الله؛ آیـا نمی‌بینیـد که مردم به حق عمل نمی‌کننـد و از باطل رویگردان نیسـتند! در این موقعیت حساس برهر فرد با ایمانی شایسته است که با خودکامگان بستیزد و جانش را در این راه فدا کند تا به دیدار الهی باریابد».

اصلاح طلبی و احیای سنت نبوی و روش علوی

اشاره

خدا و رسول و خاندانش از هرگونه فسادی بیزار و هرگونه صـلاح و اصـلاحی را خواستارند. از این رو، رویکرد به صلاح و اصلاح طلبی وظیفه هر فرد بـا ایمـانی است به ویژه رهبران الهی که همه کوشـش‌های آنـان در این مسـیر، رقم می‌خورد. امام حسـین (ع)در سخنـان نورانی اش این حقیقت را بیان می‌کنـد که در این زمینه فقط وصـیتنامه آن حضـرت را با هم مرور می‌کنیم «بسم الله الرّحمن الرحیم هذا ماأوصـی به الحسـین بن علی الی أخیه محمد بن‌الحنفیّه أن الحسـین یشـهد ان لا اله الا الله وحده لاشریک له و ان محمداً عبده و رسوله جاء الحق من عنده وان الجنهٔ حق و النار حق والساعهٔ آتیهٔ لاریب فیها و انّ الله یبعث من‌فی القبور، وانّی لم أخرج اشـرا و لابطراً ولامفسـداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصـلاح فی أمّـهٔ جـدی أرید أن آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر و أسـیر بسـیرهٔ جـدّی و أبی علی بن‌ابی طالب فمن قبلنی بقبول الحق فالله أولی بالحقّ‌و من ردّ علیّ هذا، أصبر حتی یقضـی‌الله بینی و بین القوم و هو خیر الحاکمین و هذا وصـیتی الیک یا أخی و ما توفیقی الا بالله،علیه توکلت والیه أنیب .امام حسـین (ع) پس از بیان عقیده‌اش درباره توحید و نبوت و معاد، اهداف حرکتش را چنین برشـمرد: «من نه از روی خودخواهی و خوشگذرانی و نه برای فساد و ستم از مدینه حرکت کردم بلکه تنها هـدفم اصـلاح مفاسـد این امت امر به معروف و نهی‌از منکر، احیای سـنت نبوی و روش علوی است پس هر که این حقیقت را از من بپـذیرد و مرا همراهی کنـد، بی‌تردید راه خدا پسندانه‌ای را در پیش گرفته است و هر که از من رخ برتابد،

در برپایی این نهضت پایداری می‌کنم تا خداوند میان من و این افراد، داوری کند و او بهترین داوران است برادرم این است وصیت من به تو و هر توفیقی از خداست بر اوتوکل می‌کنم و بازگشتم به سوی اوست .

اتمام حجت بازگویی حقایق و هوشیار ساختن مردم در برابر رفتارهایشان

اشاره

یکی از سیاستهای شوم استکباری به غفلت کشاندن مردم از حقایق جاری زندگی است فردی که همّ و غمّ او فقط پرداختن به شکم و شهوت باشد و از اصول آزاد زیستن و انسان بودن باخبر نباشد، حیوانیست که در سراشیبی سقوط قرار گرفته درآستانه درنده شدن است (أولئك كالانعام بل هم أضلّ) چنین موجودی برای رسیدن به مقاصد مادی و پاسخ‌گویی به غرایز حیوانی‌اش به هرکاری دست می‌زند، هرچند کشتن انسان بی‌گناهی باشد، بلکه بالاتر، گر چه پیامبر یا فرزند او باشد. در چنین موقعیت بحرانی است که باید به فریاد او رسید و آگاهی‌ها و هشدارهای لازم را برای او بیان کرد تازمینه خروجش از حیوانیت به عالم انسانیت و هدایت به قله‌های سعادت فراهم گردد؛دست کم حجت بر او تمام شود که در صورت گرفتاری به عذاب و کیفر الهی هیچ گونه عذرو بهانه‌ای نداشته باشد. در موارد گوناگون از سخنان نورانی امام حسین (ع) این هدف دنبال شده است که برخی از آنها را بررسی می‌کنیم الف در میان راه مکه به کوفه در منزل «ثعلبیه ، مردی خدمت سیدالشهداء (ع) شرفیاب شد و از تفسیر این آیه پرسید: (یوم تدعوا کل أناس بامامهم : «روز رستاخیز هر امتی را با امامش فرا می‌خوانیم . حضرت در پاسخ وی فرمود: «امام دعی الی هدیفأجابوا الیه و امام دعی الی ضلاۀ فأجابوا الیها؛ هؤلاء فی الجنۀ وهؤلاء فی النار و هو قوله تعالی فریق فی الجنۀ و فریق فی السعیر؛برخی از رهبران مردم را به راه راست فرا می‌خوانند و گروهی صدایشان را می‌شنوند و از آنان پیروی می‌کنند وبرخی از پیشوایان مردم را به راه کج سوق می‌دهند و گروهی نیز به آنان پاسخ مثبت می‌دهند، دسته نخست در بهشت و طایفه دوم در جهنم هستند. این حقیقت را خداوند (در آیه هفتم از سوره شورا) بیان کرده است که انسان‌ها دو نوعند، بعضی در بهشت و برخی در دوزخ .ب در همین مکان مردی به حضور حضرت شرفیاب شد و امام از او پرسید: اهل کدام شهری او گفت اهل کوفه سخنانی میان آن دو مبادله شد و آنگاه به او فرمود: أماوالله! لو لقیتك بالمدینه لاریتك اثر جبرئیل فی دارنا و نزوله بالوحی علی جدّی یا أخا اهل الکوفه من عندنا مشتقی العلم أنعلموا وجهلنا؟ هذا مما لایکون آگاه باش به خدا سوگند! اگر تو را در مدینه می‌دیدم اثر وردّ پای جبرئیل را در خانه ما و محلی را که در آن به جدم وحی می‌آورد، به تو نشان می‌دادم ای مرد کوفی خاندان ما سرچشمه علوم است آیا اینان دانایند و ما نادان این شدنی نیست .

یاد سپاری

پیداست که این سخنان نورانی امام (ع) در پاسخ شبهاتی بود که در ذهن آن مرد کوفی جا گرفته بود. متأسفانه در منابع حدیثی و تاریخی از پرسش‌های آن مرد، اثری نیست لیکن از پاسخ امام برمی آید که او فردی قشری نگر بوده که حرکت حضرت را علیه حکومت به ظاهر دینی یزید می‌دانست زیرا او یزید را خلیفه مسلمانان می‌شمرد و نبرد با او را نبرد با حاکم دینی می‌پنداشت از این رو، سرور آزادگان با بر شمردن ویژگی‌های خود وخانواده‌اش او را با لایه‌های زیرین دینی آشنا کرد وبه او فهماند که کانون‌پیدایش دین و فرود آمدن وحی الهی خاندان پر برکت رسالت است نه دودمان پلید امیه بنابراین شدنی نیست که آنان با حقایق دینی آشنا باشند و بر اساس آنها رفتار کنند، ولی ما چنین نباشیم ج امام حسین وارد منزل «شراف شد و طلیعه سپاهیان کوفه نیز به فرماندهی حربن یزید ریاحی از راه سید و پیام امیر کوفه را به حضرت بیان کرد. آنگاه امام به سخنرانی پرداخت و سخنان

آگاهی بخش را به آنان فرمود:«أیها الناس انّها معـذرهٔ الی الله والیکم و انّی لم آتکم حتی أتتنی کتبکم و قدمت‌بها رسـلکم أن أقدم علینـا فـانّه لیس لنـا امـام ولعـلّ‌الله أنّ یجمعنـا بک علی الهـدی فان‌کنتم علی ذلک فقـد جئتکم فاعطونی ما أطمئنّ‌به من عهودکم و مواثیقکم و ان کنتم‌لقدومی کارهین انصـرف عنکم الی المکان الّذی جئت منه الیکم ای مردم این سـخنان من به جهت اتمام حجت بر شـماست تا در پیشـگاه خداونـد نیز مسؤولیتی نداشـته باشم من بی‌جهت به سوی شـما نیامـدم اگر بـدین نوشـته هایتان وفا دارید، اکنون من آماده‌ام و شما نیز با من پیمانی استوار ببندید و مرا از همکاری خودتان مطمئن سازید (تا حکومت دینی را برپا و حکومت یزیـدی را سـرنگون کنیم و اگر از آمـدن من ناخرسـندید، من حاضـرم به محلی برگردم که از آن جـا آمـده‌ام .د. امام به منزل «بنی مقاتل وارد شد و اطلاع یافت که عبیدالله بن حرّ جعفی نیز همراه یارانش در آنجاست وی از دوسـتداران عثمان بودکه پس از کشـته شدن او به دربار معاویه پیوست و در نبرد صـفین نیز در صف سپاهیان شام بود. سرانجام او یکی از راهزنان بنام شد و ثروت فراوانی به چنگ آورد. نخست حضـرت حجاج بن مسـروق را پیش او فرسـتاد تا او را هدایت کند، ولی سودی نبخشـید؛ زیرا او از عزم جزم کوفیان مبنی برکشتن فرزند فاطمه س خبر داشت امام شخصاً در خیمه‌های او حضور یافت و به او فرمود:«یابن الحرّ! انّ أهل مصرکم کتبوا الیّ‌أنهم مجتمعون علی نصـرتی و سألونی القـدوم علیهم و لیس الامر علی ما زعموا و أنّ علیك ذنوباً کثیراً، فهل لک من توبهٔ تمحوبها ذنوبک ؛ای فرزند حرا! مردم دیار شـما به من نامه نوشتند که عزمشان را برای یاری من جزم کرده‌اند و از من خواسته‌اند که به سوی آنان بشـتابم لیکن حقیقت برخلاف نوشـته‌هایشان است و تو در دوران زندگانی‌ات گناهان بسـیاری انجام داده‌ای آیا قصـد پاك شدن از آن گناهان را داری »عبیدالله گفت به خدا سوگند! من می‌دانم که هر کس از تو پیروی کند، به سـعادت جاوید دست می‌یابـد؛ ولی احتمال نمی‌دهم که یاری من به حال تو سودی داشـته باشـد؛زیرا در کوفه کسـی را ندیدم که عزمش را به نصـرت تو اسـتوار ساخته باشـد. به خـدا سوگنـدت می‌دهم که مرا از این کار معاف بـدار، چون من از مرگ سـخت گریزان و هراسـناکم و در عـوض آن بهـترین اسـبم را به تو هـدیه می‌کنم که در میـدان جنـگ بسـیار چالاـک است حضـرت در پاسخ فرمود: «أمـا اذا رغبت بنفسک عنّا فلا حاجهٔ لنا فی فرسک و ماکنت متخذ المضلّین عضداً؛ اکنون که از ما رو گرداندی و از نثار جانت خودداری ورزیدی ما نه به خودت نیازمندیم نه به اسبت زیرا من افراد گمراه را یاور خود برنمی‌گزینم .در پایان افزودند: «انّی أنصـحک کما نصـحتنی ان اسـتطعت أن لا تسـمع صراخنا و لاتشهد وقعتنا فافعل فوالله! لایسمع و اعیتنا أحد و لاینصرنا، الا أکبّه الله فی نار جهنم همانگونه که تـو مرا نصـیحت کردی من نیز به تو نصـیحت می‌کنم اگر خودت را به منطقه دوردسـتی می‌توانی برسـانی که صـدای اسـتغاثه مـا را نشـنوی و حادثه دلخراش ما را نبینی حتما این کار را بکن به خدا سوگند! اگر فریاد یارخواهی ما به گوش کسـی برسد و او به یاری ما نشتابد، خداوند او را با خواری در آتش جهنم می‌افکند».

دو یاد سپاری مهم

۱. از آنجا که رهبران الهی در صـدد درمان و نجات دادن انسان‌ها از منجلاب‌های هلاکت و هـدایت کردن آنان به سوی چکادهای برافراشته سعادت هستند، گاهی شخصاً به بالین بیمار می‌روند وبا آگاهی از آلودگی‌های فراوانش به درمان او می‌پردازند. از این‌رو، حضـرت بـا یـاداوری خطاهـای گذشـته عبیـدالله، سـعی در بـازگشت او می‌کنـد؛ حتی با ذکر نام پیامبر و دخترش فاطمه به تحریک احساسات او می‌پردازد. این رفتار حسـین (ع)همان اتمام حجت و آگاهی بخشیدن به مردم نسبت به پیامدهای شوم رفتارشان شمرده می‌شود.۲. وقتی امام از هدایت یافتگی او ناامید شد و فطرت خدا جوی او را خموش یافت این پندار دنیاگران را که «هدف وسیله را توجیه می‌کنـد» به شـدت غلط و باطل شـمرد و با اقتباس از آیه (وما کنت متخـذ المضـلّین عضداً)، این حقیقت را در گوش جهانیان طنین انـداز کرد که برای رسـیدن به هـدف مقدس از وسـیله پاك باید مدد جست و اموال دزدی و غارتی یا اهدایی دربار معاویه به کار حسـین بن علی نیاید؛ زیرا او در صدد اجرای فرمان الهی و انجام دادن تکلیف دینی خود است ه. نامه‌ای از کربلا به مدینه‌سرور

شهیدان پس از استقرار در کربلا، در نامه‌ای کوتاه به برادرش محمد بن‌حنفیه و سایر بنی هاشم چنین نوشت «أمّا بعد فکأنّ الدنیا لم تکن و کأنّ الاخرة لاتزل .»پس از حمد و ثنای الهی گویا دنیایی نبوده و ما نیز در این جهان نبوده‌ایم و آخرت نیز همارہ پایدار و بی‌زوال است و ما نیز نبود نخواهیم شد».

یاد سپاری

این نامه پر نغز امام از اعتقاد راسخ و ایمان بنیادی او به مبدأ و معاد حکایت می‌کند و در این لحظه‌های حساس و بحرانی به فکر نمایاندن حقایق جهان هستی به یاران و خویشاوندان است از زاویه دید انسان کامل دنیای به این بزرگی بسیار کوچک و گذرگاه است و هرچه هست در جهان آخرت است و دلبستگی به آن سبب اشتیاق به مرگ و ایثار جان و مال است پس چنین فرهنگی است فرهنگ نورانی عاشورا. عاشوراییان دنیا را هیچ می‌انگارند و به لذت‌های آن دل نمی‌بندند و آن را مزرعه‌ای برای آخرت خویش می‌دانند.و. دو خطبه در یک روزامام حسین در نخستین ساعتهای روز عاشورا که سپاهیان کوفه را آماده نبرد دید،سوار براسب شد و صفوف سپاهش را سامان داد و آنگاه خطاب به کوفیان فرمود: «أیهاالناس سمعوا قولی و لاتعجلوا، حتی أعظکم بما هو حق لکم علّی و حتی أعتذر الیکم‌من مقدمی علیکم فان قبلتم عذری و صدّقتم قولی و أعطیتمونی النّصف من أنفسکم کنتم بذلک أسعد و لم یکن لکم علیّ سبیل وان لم تقبلوا منّی العذر و لم تعطوا النصف‌من أنفسکم فأجمعوا أمرکم و شُرکاءکم ثم لایکن أمرکم علیکم غمّةً ثم اقضوا الیّ ولاتنظرون انّ ولییّ‌الله، الذی نزّل الکتاب و هو یتولّی الصالحین ای مردم سخنم رابشنوید و در نبرد شتاب نکنید تا من وظیفه نصحیت کردن به شما را انجام دهم و انگیزه‌سفرم را بیان کنم پس اگر دلیل مرا پذیرفتید و انصاف را پیشه خود کردید، سعادتمندمی‌شوید و دست از جنگ برمی دارید؛ زیرا دلیلی بر آن ندارید. اگر حرف مرا قبول نکردید و انصاف به خرج ندادید، آنگاه با یکدیگر متحد شوید و اندیشه باطلتان را درباره من عملی سازید و هیچ مهلتی به من ندهید؛ لیکن بدانید که ولیّ و پشتیبان من آن خدایی‌است که قرآن را فرو فرستاده است و اوست مولا و یاور شایستگان .وقتی سخنان امام به این جا رسید، صدای گریه و ناله‌های زنان و کودکان حرم بلندشد. آنگاه حضرت به برادرش عباس و فرزند ارشدش علی اکبر مأموریت داد تا آنان را ساکت کنند و بدیشان بگویند که فعلاً ساکت باشید؛ زیرا گریه‌های زیادی در پیش رودارید. پس از اتمام حجت بر مردم کوفه و بازگویی حقیقت نامه‌ها و درخواستهای آنان مطالب مهمی را در تقویت هوشمندی سیاسی ـ اجتماعی و پندگیری از اقبال و ادبار دنیا را بدینسان بازگو فرمود: «عباد الله! اتّقوا الله و کونوا من الدنیا علی حذر، فان الدنیا لو بقیت‌علی احد، لکانت الانبیاء احقّ بالبقاء و أولی بالرضاء و أرضی بالقضاء غیر ان الله خلق الدنیاللفناء، فجدیدها بالٍ و نعیمها مضمحل و سرورها مکفهر و المرل تلقة والدار تلعة فتزوّدوافان خیر الزاد التقوی و اتقوالله لعلکم تفلحون ای بندگان خدا! تقوا پیشه کنید و ازدنیاطلبی بگریزید. اگر دنیا به کسی وفا می‌کرد، یا کسی در آن همیشگی ماندگار بود،بی‌تردید پیامبران الهی برای بقا سزاوارتر و جلب رضایت شایسته ترین و تن دادن به چنین حکمی خرسندتر بودند؛ زیرا این که خداوند، دنیا را برای فنا آفریده است تازه‌هایش کهنه نعمت‌های نابود شدنی و شادی هایش به اندوه بدل می‌شود، منزلی پست و خانه‌ای موقت است پس به هوش باشید و برای آخرت خود توشه برگیرید؛ زیرا بهترین توشه آخرت تقوا و خدا اندیشی است تقوا پیشه کنید تا رستگار و کامیاب گردید».پس از بیان بی‌وفایی و گذرایی لذایذ دنیوی افزودند: «أریکم قد اجتمعهم علی أمر قد اسخطتم الله فیه علیکم و أعرض بوجهه الکریم عنکم و احلّ بکم نعمته فنعم الرّب ربّنا و بئس العبید انتم اقررتم بالطاعة و آمنتم بالرسول محمد ثم انّکم زحفتم الی ذرّیّته و عترته تریدون قتلهم لقد استحوذ علیکم الشیطان فانساکم ذکر الله العظیم فتبالکم و لما تریدون انالله و انا الیه راجعون هؤلاء قوم کفروا بعد ایمانهم فبعداً للقوم الظالمین شما بر چیزی با یکدیگر متحد شده‌اید که خشم خدا را بر شما برانگیخته بدین جهت خداوند از شما رخ برتافته عذابش را بر شما فرود آورده است عجب خدای‌خوبی داریم وعجب بندگانی هستید که به طاعت او اعتراف کردید و پیامبرش را پذیرفتید، آنگاه برای کشتن

خاندان و فرزندانش حمله ور شدید؛ بی‌تردید شیطان بر شما چیره گشته خدای بزرگ را از یاد شما برده است وای بر شما، ننگ بر فکر و هدف شما، مااز آنِ خداییم و بازگشت ما به سوی اوست خدایا! تو شاهد باش اینان مردمانی هستند که‌پس از ایمان کفر ورزیدند، لعن و نفرین بر این مردم ستمکار باد».آن گاه برای پاسخ گویی به شبهات افراد ساده لوحی که بر اثر تبلیغات مسموم امویان فریب خورده بودند و حرکت حسین بن علی را شورشی علیه مصالح امت و خلیفه شرعی و قانونی می‌دانستند، جایگاه نَسَبی و شخصیت معنوی خود و خاندانش را بیان کرد و با این سخنان ثابت کرد که حمزه و جعفر، عموهای فداکار و جان نثار وی و علی بن‌ابی‌طالب ـ نخستین ایمان آورنده به خدا و رسول و سردار دلاور در جبهه‌های نبرد علیه کفار ـ پدر او بود و بدینسان هویدا ساخت که دودمان امویان سلسله جنبانان ضدیت بااسلام بودند و مخالفان دین دیروز، امروز، قدرت دینی را در دست گرفته‌اند.سخنان امام در میان کوفیان ولوله‌ای پدید آورد و کم مانده بود که صدای اعتراض آنان بلند شود؛ ناگهان شمربن ذی الجوش داد زد: او نادان و گمراه است و نمی‌فهمد که چه می گوید! حبیب بن مظاهر در پاسخ وی گفت تو نادان و گمراهی و سخنان او را نمی‌فهمی زیرا خداوند قلبت را مهر و موم کرده است سپس امام (ع) سخنان را این گونه ادامه داد: «فان کنتم فی شک من هذا،أتشکون انّی ابن بنت نبّیکم فوالله ما بین المشرق و المغرب ابن بنت نبّی فیکم و لا فی غیرکم ویحکم أتطلبونی بقتیل قتلته او مال استهلکته او بقضاء من جراحهٔ اگر در سخنان من به دیده تردید می‌نگرید، آیا شک دارید که من پسر دختر پیامبرتان هستم به خدا سوگند! در روی کره‌ی خاکی فرزند دختر رسول خدا، کسی جز من نیست وای برشما! آیا کسی از شما را کشته‌ام که به خونخواهی او قصد کشتن مرا دارید یا مالی را نابود ساخته‌ام یا جراحتی بر کسی وارد کرده‌ام که مرا قصاص کنید؟با این خطابه حضرت سکوت مرگباری بر سپاه کوفه حکمفرما گردید. آن گاه برای تأیید سخنانش چند تن از سرشناسان کوفه را با نام صدا زد و فرمود: یا شیث بن ربعی و یا حجار بن ابجر ویا قیس بن اشعث یا یزید بن حارث الم تکتبو اءلیّ أن قد اینعت الثمار و اخضّر الجناب و انّما تقدّم علی جندٍ لک مجنّدهٔ آیا شما برای من نامه ننوشتید که میوه‌ها رسیده درختان سرسبز و خّرم گشته است و در کوفه سپاه آماده‌ای در اختیار توست ».آنان که راه گریزی نداشتند، سکوت پیشه کردند و قیس بن اشعث گفت چرا با پسر عمویت بیعت نمی کنی در این صورت او با تو به نرمی و مساعدت رفتار می کند.حضرت بسیار بر آشفت و فرمود: «لا والله! لاأعطیهم بیدی اعطاء الذلیل و لا أقّرمنهم‌فرار العبید. یا عبادالله! انّی عذتء بربّی و ربّکم ان ترجمون اعوذ بّربی و بربّکم من کّل‌متکبر لا یومن بیوم الحساب .نه هرگز! به خدا سوگند! نه دست ذلت در دست آنان می گذارم و نه مانند بردگان صحنه نبرد را رها می کنم من به پروردگار خویش و شما پناه می‌برم از این که سخنان مرا باور نمی کنید. به خدای خود و شما پناه می‌برم از هر فرد متکبری که روز رستاخیر را باور ندارد».

هدایتها و درسهای سازندگی عاشورا

اشاره

حماسه شورانگیز کربلا، سراسر درس و عبرت و منشور هدایت است حماسه‌ای جاری در همه عصرها و نسل‌ها، حماسه‌ای پرشکوه که حاوی پیامهای حیات‌بخش فراوانی است حماسه‌ای که درسهایش در طول تاریخ زندگی سعادتمندانه را برای انسانها، از هر نژاد و هر کشوری رقم می‌زند. بدین جهت برخی از آنها را از لابه لای سنت و سیرت و روایات امام حسین (ع) استخراج و با همدیگر مرور می کنیم

عزت و افتخار حسینی

(مبارزه با طاغوت و به رسمیت نشناختن او، زیر بار ذلت نرفتن در برابر سختیها مقاوم و پایدار بودن .-در پاسخ ولید بن عقبه «أیها الامیر! انا اهل بیت النبوهٔ و معدن الرسالهٔ و مختلف الملائکهٔ و مهبط الرحمهٔ بنا فتح الله و بنا یختم و یزید رجل شارب الخمر و قاتل النفس المحترمهٔ معلن بالفسق و مثلی لا یبایع مثله .- در پاسخ مروان بن حکم «انالله و انا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذ بلیت الامهٔ براع مثل یزید.»- در پاسخ برادرش عمر اطرف «والله اعطی الدنیّهٔ من نفسی ابداً و لتلقین‌فاطمهٔ اباها شاکیهٔ ما لقیت ذرّیّتها من امته و لاتدخل الجنهٔ احدٌ اذاها فی‌ذرّیّتها».- در پاسخ برادرش محمد بن حنفیه «یا اخی لو لم یکن فی الدنیا ملجأ و لامأوی لما بیعت یزید بن معاویهٔ - پس از ورود به سرزمین کربلا: «فانّی لا أری الموت الا سعادهٔ و الحیاهٔ مع الظالمین اِلّا برماً».- درآغازین نبردهای عاشورا: «صبرا یا بنی الکرام فما الموت الا قنطرهٔ تعبر بکم عن البؤس و الّضّراء الی الجنان الواسعهٔ و النّعم الدائمهٔ .- در دومین سخنرانی در روز عاشورا:«الا و انّ الدّعی قد رکز بین أثنتین بین‌السّلهٔ و الّذلّهٔ و هیهات منّا الذّلّهٔ یأبی الله لنا ذلک و رسوله و المؤمنون و حجورُ طابت وطهرت و انوف حمیّه و نفوسٌ أبیّه من ان نؤثر طاعهٔ اللئام علی مصارع الکرام .- پس از جنگ مغلوبه مرحلهٔ عملیات «اما والله! أحیبیهم الی شی ء ممّا یریدون‌حتی ألقی الله و أنا مُخضبهٔ یدمی .- خطاب به فرزندان ابوطالب «صبراً علی الموت یا بن عمومتی صبراً یا اهل‌بیتی والله رأیتم هواناً بعد هذا الیوم .

تسلیم فرمان و رضای خدا شدن

- هنگام وداع با جدش پیامبر (ص):«اللهم انّ هذا قبر نبیک محمد (ص) و انا ابن‌بنت نبیّک و قد حضرنی من الامر ما قد علمت و اسئلك یا ذالجلال و الاکرام بحقّ القبر و من فیه الّا اخترت لی ما هو لک رضی و لرسولک رضی .- در دیدار با مردی که از اوضاع نابسامان کوفه گزارش داد: «ان الامر لله یفعل ما یشاء و ربّنا تبارک کّل یوم هو فی شأن .- در پاسخ طرماح بن عدی و عمرو خالد و سعد و مجمع و نافع بن هلال که پس از شهادت مسلم و قیس بن مسّهر صیداوی از کوفه گریختند و به امام حسین (ع) پیوستند:«اما والله انی لارجو ان یکون خیراً ما اراد الله بنا، قتلنا ام ظفرنا».- در واپسین لحظه‌های حیات «اللهم متعالی المکان عظیم الجبروت شدیدالمحال غنُّی عن الخلائق عریض الکبریاء، قادرُ علی ما تشاء... صبراً علی قضائک یاربهٔ لا اله سواک یا غیاث المستغیثین مالحارب سواک و لا معبود غیرک صبراً علی‌حلمک یا غیاث من لا غیاث له .

لزوم حمایت از دین و ارزشهای دینی

- در وصیت‌نامه‌اش به محمد بن حنفیه «و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امهٔ جدی (ص).»- در نامه‌اش به مردم بصره «وانا ادعوکم الی کتاب الله و سنهٔ نبیّه فان السّنهٔ قدامیتت و البدعهٔ قد احییت .- سخنرانی در جمع حاجیان در مکه «الحمدلله و ماشاء الله و لاقّوهٔ الابالله و صّلی‌الله علی رسوله .. لا محیص عن یوم خُطهّ بالقلم رضی الله رضانا أهل البیت نصبر علی‌بلائه و یوفّینا اجور الصّابرین .- پس از ادای آخرین نماز عشق «یا کرام هذه الجنّهٔ قد فتحت ابوابها و اتصلت‌انهارها و ایعنث ثمارها و هذا رسول الله (ص) و الشهداء الذین قتلوا فی سبیل الله، یتوقّعون قدومکم و یتباشرون بکم فحاموا عن دین الله و دین نبیّه و ذّبوا عن حرم الرسول .- در وصیت‌نامه‌ی الهی سیاسی‌اش به محمد حنفیه «ارید.... أن اسیر بسیرهٔ جدّی و أبی علی بن ابی طالب (ع)».- حضرت ابوالفضل (ع) هنگام بریده شدن دست راستش «والله ان قطعتموا یمینی انّی أحامی ابداً عن دینی .

احیای امر به معروف و نهی از منکر

- هنگام وداع مرقد مطهر رسول خدا (ص): «اللهم ان هذا قبر نبیک محمد (ص) وانا ابن بنت نبّیک و قد حضرنی من الامر ما قد علمت اللهم انّی احب المعروف و انکرالمنکر».- در منزل بیضه «یا ایها الناس انّ رسول الله: من رأی سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام الله،

ناکثاً عهده مخالفاً لسنّهٔ رسول‌الله، یعمل فی عبادالله بالاءثم و العدوان فلم‌یغیّر علیه بفعل و لا قول کان حقّاً علی الله یدخله مدخله .. و انا أحقّ ممّن غیّر».

ویژگیهای رهبر اسلامی و روش حکومتی او

–در پاسخ نامه‌های مردم کوفه «فلعمری ما الامام الاّ العامل بالکتاب و الآخذ بالقسط و الدائن و الجالس نفسه علی ذات .– در وصیت‌نامه الهی سیاسی‌اش به محمد بن حنفیه «ارید ان .. اسیر بسیرهٔ جّدی و ابی علی بن ابی طالب .

لزوم پیروی از رهبر الهی

– در نامه‌اش به مردم بصره «فان تسمعوا قولی اهدکم الی سبیل الرشاد».– در سخنرانی منزل شراف پس از برگزاری نماز عصر با طلیعه سپاه کوفه به فرماندهی حربن یزید ریاحی «اما بعد، ایها الناس فانکم ان تتقواالله و تعرفوا الحقّ لاهله یکن ارضی الله و نحن اهل بیت محمد (ص) اولی بولایهٔ هذا الامر من هؤلاء المدّعین ما لیس لهم والسائرین بالجور و العدوان .– در سخنرانی منزل بیضه یا نامه‌ای به سران کوفه «فان اقمتم علی بیعتکم تصیبوا رشدکم فانا الحسین بن علی و ابن فاطمه بنت رسول الله، نفسی مع انفسکم و اهلی مع اهلیکم لکم فیّ اسوهٔ .– در دومین سخنرانی امام (ع) در روز عاشورا: «... ما علیکم ان تنصتوا الیّ فتسمعوا قولی و انما ادعوکم الی سبیل الرشاد، فمن اطاعتی کان من المرشدین و من عصانی کان من المهلکین .

خطر بی تفاوتی در برابر رهبری

– در پاسخ عبیدالله حّر جعفی که از هواداران عثمان و از دوستداران معاویه بود: «وانی انصحک کما نصحتنی ان استطعت ان لاتسمع صراخنا و لا تشهد وقعتنا فافعل فوالله لا سمع و اعیتنا احدٌ و لاینصرنا الاّ اکبّه الله فی نار جهّنم .– در پاسخ عمروبن قیس مشرفی و پسر عمویش که به بهانه کثرت اولاد و نابودی اموال و سرمایه از پشتیبانی امام حسین (ع) گریختند: «انطلقا فلا تسمعا لی واعیهٔ ولاتریا لی سواداً. فانه من سمع واعیتنا او رآی سوادنا فلم یجبنا او یغثنا، کان حقا علی الله عزوجل ان یکبّه علی منخریه فی النار».

قاطعیت در تصمیم

– در پاسخ برادرش محمد بن حنیفه که وی را از حرکت به سوی مکه باز می‌داشت «یا اخی جزاک الله خیرا، لقد نصحت و اشرت بالصواب و انا عازم علی الخروج الی مکه و قد تهیّات لذلک انا و اخوتی وبنو اخی و سمیعتی و امرهم امری و رأیهم رأیی .– پس از تصمیم امام حسین (ع) مبنی بر حرکت به سوی کوفه شماری از سرشناسان مانند محمد بن حنفیه عبدالله بن عباس عبدالله بن زبیر، از او خواستند که از تصمیم خودش برگردد. حضرت در پاسخ آنان فرمود:«و قد أزمعتهٔ علی المسیر».– در پاسخ طرماح بن عدی و چهار نفر از مردان کوفه که به سپاه نور پیوستند و امام را از حرکت به سوی کوفه بازداشتند: انّ بیننا و بین القوم عهداً و میثاقاً ولسنا نقدر علی الانصراف حتی تتصّرف بنا و بهم الامور فی عاقبهٔ .

نترسیدن از مرگ و روحیه شهادت طلبی

اشاره

– در نخستین سخنرانی اش در جمع زایران خانه خدا فرمود: «الحمدلله و ماشاءالله و لاقوّهٔ الا بالله و صلی الله علی رسوله خطّ الموت

علی ولد آدم مخطـ القلادهٔ علی جید الفتاهٔ و ما أولهنی الی أسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف و خیر لی مصرع انالاقیه کانی بأوصالی تتقّطعها عسـلان الفلوات بین النواویس و کربلا فیملؤن منّی أکراشا جوفا و أجربهٔ شـغباً، لامحیص عن یوم خط بالقلم .. من کان باذلا فینا مهجته موطّناً علی‌لقاء الله نفسه فلیرحل معنا، فانی راحل مصبحاً ان شاء الله»– امام سجاد (ع) می‌فرماید: شب عاشورا پدرم در میان خیمه با چند تن از یارانش نشسـته بود و «جون غلام سـیاه پوست ابوذر به آماده سازی شمشیر، مشغول بود، آنگاه پدرم این اشعار را خوانـد:یـا دهر افّ لک من خلیل کم لک بالاشـراق والاصـیل‌من صاحب أو طالب قتیل والـدهر لایقنع بالبـدیل‌و انّماالامر الی الجلیل وکّل حّی سالـک سبیل ای دنیا! اُف بر دوستی تو که صـبحگاهان و شامگاهان افراد بی‌شـماری از دوسـتانت را به کشـتن می‌دهی و هیچ قناعت نمی‌کنی و بی‌تردید امور انسان در اختیارخدای بزرگ است و هر موجود زنده‌ای در مسیر مرگ حرکت می‌کند».آنگاه چشمانم پراز اشک شد و عمه‌ام زینب (س) با شنیدن این اشعار، نگران گردید و پس از رفتن یاران حضرت به خیمه برادرش درآمد و گفت ای کاش مرده بودم وچنین روزی را نمی‌دیـدم ای یادگار گذشـتگان و ای پناهگاه بازمانـدگان امشب همه داغهای مرا تازه کردی امام حسـین (ع) به خواهرش زینب تسـلی داد و پس از سـفارش به صبر و پایداری فرمود: «یا أختاه تعزّی بعزاء الله و اعملی ان اهل الارض یموتون واهل السـماء لایبقون و انّ کّل وجه هالک الّاوجه الله الـذی بقـدرته و یبعث الخلق فیعودون و هو فرد وحده ابی خیرمنّی و امّی خیر و اخی خیر منّی ولی و لهم ولکّل مسـلم برسول الله اسوهٔ .– در نزدیکی کربلا خواب سـبکی بر چشـمان امام (ع) چیره شد و ندایی را شنید که می‌گوید: «این گروه شبانگاهان در حرکتند و مرگ نیز آنان را دنبال می‌کند. وقتی بیدارشد، استرجاع کرد و علی اکبر (ع) این حـالت پـدرش را دیـد و سبب را جویـا شـدو امـام خوابش را به پسر بازگو کرد. آنگاه علی‌اکبر گفت «لا أراک الله بسوء ألسنا علی الحق ». امـام‌فرمود: مـا جز در صـراط مسـتقیم گـام نمی‌نهیم سـپس علی اکبر گفت «اذا لا نبالی أن نموت محقین .– در نخستین گفتمـان بـا یـاران پس از نمـاز صـبح روز عـاشورا فرمود: «صبرا یابنی‌الکرام فما الموت الا قنطرهٔ تعبر بکم عن البؤس و الضّـرّاء الی الجنان الواسـطهٔ والنّعم الداعهٔ فأیّکم یکن ان ینتقل من سـجن الی قصر و ما هو لاعدائکم الاکمن ینتقل من قصر الی سـجن و عـذاب انّ ابی حـدّثنی عن رسول الله(ص انّ الدّنیا سـجن المؤمن‌وجنهٔ الکافر، و الموت جسـر هؤلاء الی جنانهم و جسر هؤلاء الی جحیمهم ماکذبت و لاکذبت

دنیا گریزی و فریفته نشدن به آن

عصـر پنج شـنبه نهم محرم الحرام بود که سـپاهیان سیه‌روی کوفه آهنگ حمله به سپاه نور را کردند و امام (ع) به برادرش ابوالفضل (ع) فرمود: «ارکب بنفسـی انت یـا اخی حتی تلقاهم فتقول لهم مالکم و ما بـدألکم و تسـئلهم عما جاء بهم .جناب عباس (ع) رفت و قصد آنان را جویا شد. امیرشان گفت از سوی ابن زیاد دسـتور جنگ رسـیده است حضرت برگشت و موضوع را به محضر امام (ع) عرضه داشت آنگاه سالار عابدان فرمود: «ارجع الیهم فان استطعت ان تؤخّرهم الی غدوهٔ و تدفعهم عنّا العشّیهٔ نصلّی لربّنا اللیلهٔ تدعوه و نسـتغفره فهو یعلم انّی احّب الصـلاهٔ و تلاـوهٔ کتـابه و کثرهٔالـدعاء و الاسـتغفار».– هنگـام ظهر روزعـاشورا عمروبن کعب (ابوثمـامه صائدی به امام حسـین (ع) عرض کرد: وقت نماز ظهر فرا رسـیده است دوست دارم آخرین نمازم را به امامت شـما بخوانم حضـرت فرمود: «ذکرت الصّـلاهٔ جعلک الله من المصّـلین الذاکرین نعم هذا اوّل وقتها سـلوهم ان یکفوا عنا حتی نصلی .حصین بن نمیر گفت نمـاز شـما قبول نیست (زیرا علیه خلیفه و امیرالمؤمنین شوریده‌ایـد). حبیب بن مظاهر به او گفت ای نادان خیال می‌کنی نماز تو قبول است و نماز فرزنـد پیامبر پذیرفته نیست آنگاه حصـین به وی حمله کرد و سـپاهیان کوفه نیز او را به محاصـره در آوردند و سـرانجام وی شـهید شـد. در نتیجه دو تن از حماسه آفرینان میـدان‌عشق سپر بلا شدنـد و سالار عشق نماز عشق را خوانـد و پس از پایان یافتن نماز،آن دو با بـدنی خون آلود از تیرهای دشـمن بر زمین افتادنـد و آن دو سـعید بن عبـدالله حنفی و عمربن قرظه انصاری بودند که امام به آنان فرمود: «انت أمامی فی الجنهٔ فاقرء رسول الله منی السلام .

پیامد شوم خوردن مال حرام

در دومین سخنرانی روز عاشورا فرمودند: «وكلّكم عاص لامرى غير مستمع لقولى قد انخزلت عطّياتكم من الحرام و ملئت بطونكم من الحرام فطبع الله على قلوبكم و يلكم الا- تنصتون الا- تسمعون «همگی سرکشی کرده به سخنانم گوش نمی‌دهید، زیرا بر اثر هدایای حرام و لقمه‌های حرام که شکمهایتان به آن پر شده خداوند دلهایتان را مهر و موم کرده است وای بر شما چرا ساکت نمی‌شوید؟

دنیا گرایی انسانهای ضعیف الایمان

در نخستین سخنرانی امام پس از ورود به سرزمین کربلا:«الناس عبيد الدنيا والدّين لعقٌ على السنتهم يحوطونه مادرّت به معايشهم فاذا محصّوا بالبلاء قلّ الديّانون .

آزادمردی و غیرت مردانگی

گاهی یاران امام (ع) موقعیت راهبردی داشتند و به سادگی دشمن را می‌توانستند از پا درآورند؛ لیکن آن حضرت از این عمل نهی کرد و فرمود: «هیچ گاه آغازگر نبرد نخواهم شد».حر بن یزید ریاحی نامه عبیدالله بن زیاد را دریافت کرد که بر امام حسین (ع) سخت بگیرد:«جعجع بالحسين حين تقرء كتابى و لاتنزله الا بالعراء على غير ماء و غيرحصن .آنگاه امام (ع) فرمود: «بگذار در بیابان نینوا یا غاضریات فرود اییم .حر گفت «پیک عبیدالله مراقب من است و من این پیشنهاد شما را نمی‌توانم بپذیرم »در این هنگام زهیر بن قین به امام (ع) گفت «جنگیدن با این گروه اندک برای ما آسانتر است تا دیگر سواران کوفه نرسیده‌اند، با اینان بجنگیم .امام در پاسخ وی فرمود: «ما كنت لابداهم بالقتال .در واپسین لحظه‌های حیات نورانی اش در قتلگاه فرمود: «يا شيعهٔ ال أبى سفيان ان لم يكن لكم دينٌو كنتم لا تخافون المعاد. فكونوا أحراراً فى دنياكم و ارجعوا الى أحسابكم ان كنتم عرباً كما تزعمون أنا الّذى أقاتلكم و تقاتلونى و النساء ليس عليهن‌جناحٌ فامنعوا عتاتكم عن التّعرض لحرمى ما دمت حيّاً».هنگام برخورد با طلیعه سپاه دشمن به فرماندهی حر بن یزید که خود و اسبانشان‌بسیار تشنه بودند: «أسقوا القوم و اروهم من الماء و رشّفوا الخيلَ ترشيفاً».

تعظیم شعائر الهی

در پاسخ سخنان هوس‌آمیز عبدالله بن زبیر در مکه فرمود: «انّ بمكّهٔ كبشاً به تستحلّ حرمتها، فما أحبّ أن أكون ذلك الكبش و لئن أُقتل خارجاً منها بشبرٍ أحبّ الىّ من أن أقتل فيها و لئن أقتل خارجاً منها بشبرين أحبّ الى من أن أقتل خارجاً منها بشبرٍ... ولئن أقتل بالطّفّ أحبّهٔ الى من أن أُقتل بالحرم .

بیان سنت الهی در رفتار با حق جویان و باطل گرایان

تلاوت قرآن در جمع یاران در شب عاشورا: و لايحسبن الذين كفروا انما نُملى لهم خيرٌ لانفسهم انما نملى لهم ليزدادوا اثماً و لهم عذاب مُهين – ما كان الله ليذر المؤمنين على ما أنتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيّب کثرت و پیروزی ظاهری لشکریان باطل نشان عنایت خدا و قلّت و شکست ظاهری سپاهیان حق نشان بی‌مهری خدا به آن دو گروه نیست بلکه صحنه‌ای برای ازمون است تا صف نیکان از بدان و جبهه پاکیزگان از آلودگان جدا شودواین پیروزی موقت سبب هرچه بیشتر فرو رفتن جنایتکاران در منجلاب فساد وگناه‌شود تا خداوند یکسره آنان را به عذاب خویش گرفتار سازد؛ همان گونه که‌حضرت‌زینب س درپاسخ عبیدالله بن زیاد ملعون

که از پیروزی بر امام حسین (ع) مغرور شده بود، این ایه را تلاوت کرد و به او هشدار داد که در انتظار عذاب سهمگین الهی بماند.- هنگامی که سخنرانی عمومی امام حسین (ع) در روز عاشورا و گفت و گو با عمربن سعد بن ابی وقاص نتیجه‌ای نداد و او تیری را در چله کمان گذاشت و به سوی سپاهیان نور، شلیك كرد و گفت پیش امیرتان گواهی کنید که نخستین تیر را من شلیك كردم لشکریان کوفه همگی به تیرباران سربازان میدان عشق پرداختند که شماری از آنان شهید شدند. (و این حمله عمومی نامیده شد).آنگاه امام حسین (ع) برخاست و خطاب به دیگر یارانش فرمود: «قوموا ایّها الکرام الی الموت الذی لابدٌ منه فانّ هذه السهام رسلُ القوم الیکم فوالله ما بینکم و بین الجنهٔ و النار الا الموت یعبر بهؤلاء الی جنانهم و بهؤلاء الی نیرانهم .همچنین پس از ادای نماز عشق به اندك یاران باقی مانده فرمود: «یا کرام هذه‌الجنهٔ قد فتحت ابوابها و اتّصلت انهارها و اینعت ثمارها و هذا رسول الله (ص) و الشهداء الذین قتلوا فی سبیل الله یتوقعون قدومکم و یتباشرون بکم فحاموا عن دین لله و دین نبیّه و ذبّوا عن حرم الرسول (ص)».

دنیا لغزشگاهی خطرناک

اشاره

امام حسین (ع) در نخستین سخنرانی اش در روز عاشورا فرمود: «عبادالله! اتقوالله و کونوا من الدنیا علی حذرٍ. فانّ الدنیا لو بقیت علی احد أو بقی علیها احدٌ، لکانت الانبیاء احقّ بالبقاء و اولی بالرضاء و ارضی بالقضاء؛ غیر انّ الله خلق الدنیا للفناء، فجدیدهابالٍ و نعیمها مضمحلّ و سرورها مکفهرٌ و المنزل تلعهٌ؛ فتزودوا اءنّ خیر الزاد التقوی واتقوالله لعلکم تفلحون »

فقط پذیرش ولایت خدا

اشاره

امام حسین (ع) در نخستین سخنرانی‌اش در روز عاشورا این آیه را تلاوت فرمود:(اءن ولیّ الله الذی نزّل الکتاب و هو یتولّی الصالحین ؛ اگر شما مردمان کوفه مرا یاری نمی کنید، بدانید که ولیّ سرپرست و یاور من آن خدایی است که همه انسانها را با فرو فرستادن پیامهای آسمانی اش سرپرستی می کند و سایه لطف و هدایت ویژه‌اش را بر نیکو سیرتان می گستراند.

یاد سپاری

«الصالحین غیر «عملوا الصالحات است برخی در پرتو ایمان به مبدأ و معاد،کارهای شایسته ونیکویی انجام می‌دهند، به این امید که پاداش الهی را در آغوش بکشند که گاهی نیز از این افراد، کارهای ناشایستی سر می‌زند؛ لیکن برخی دیگر در سایه همت و پشتکارشان رویکرد به تقوا و گریز از طغیان چنان اوج می گیرند که گوهر ذاتشان شایسته و نیکو می گردد. در حقیقت صلاح جز و جان و مقوم ذات آنان می‌شود.

باز بودن راه توبه

هنگامی که جناب حرّ بن یزید ریاحی از عزم راسخ عمر بن سعد با جنگ در برابر فرزند پیامبر (ص) آگاه شد، از سپاهیان کوفه جدا شد و به سوی امام حسین (ع) حرکت کرد و عذرخواهی کرد و گفت «آیا توبه من پذیرفته می‌شود؟».حضرت فرمود: «نعم

یتوب الله علیك و یغفر لك آری خداوند، توبه تو را می‌پذیرد و گناهانت را می‌بخشد».

افزایش مصیبت پذیری در سایه پیوند با خدا

در فرجامین ساعت‌های روز عاشورا که همه یاران و فرزندان امام حسین (ع) شهیدشدند، حضرت برای اتمام حجت ندای «هل من ناصر» را سر داد. وقتی صدا به خیمه‌ها رسید، صدای گریه و ناله‌های آنان بلند شد، و حضرت به سوی آنان برگشت و به آرامش سفارش کرد. همچنین به خواهرش زینب فرمود: «فرزند شیرخواره‌ام را به من بده تابرای آخرین بار با او وداع کنم . آنگاه حرمله بن کاهل اسدی به دستور عمر بن سعد،تیری به سوی آن کودک شیرخوار انداخت و گلویش را هدف گرفت خون از گلوی علی اصغر جاری شد و حضرت با دستش آن خون را گرفت و به سوی آسمان پاشید وفرمود: «هون علیَّ ما نزل بی أنّه بعین الله؛ تحمل این مصیبت بر من آسان است زیرا در منظر و پیشگاه خداست .

پیروزی خون بر شمشیر

هنگام بازگشت آزادگان حماسه آفرینان کربلا به شهر مدینه ابراهیم فرزند طلحه با هدف استهزای امام سجاد (ع) به وی گفت چه کسی در این نبرد پیروز شد؟حضرت پاسخ دندان شکنی به او داد و فرمود:«اذا دخل وقت الصلاهٔ فأذّن و اقم تعرف من الغالب هنگامی که وقت نماز می‌شود، اذان و اقامه بگو تا فرد پیروز را بشناسی (یعنی آن که نامش در بالای مأذنه‌ها و بر سر زبانهاست پیامبر خداست .

عبرتهای عاشورا

از بررسی و تحلیل همه جانبه فاجعه کربلا ـ بر می‌آید: عواملی که در پیدایش آن‌نقش بسیاری مهمی داشت بدین قرار است ۱. ضعف آگاهی و بینش اسلامی ۲. ضعف ایمان و باورهای دینی ۳. کم رنگ شدن معنویت ۴. افول غیرت دینی ۵. رویکرد به دنیاگرایی و گریز از آخرت‌جویی ۶. کنار زدن وصایای پیامبر درباره ثقلین (قرآن و عترت .پس اکنون که به فضل الهی و همت مردم نظام امامت و ولایت در ایران اسلامی برپا شده است برای پیشگیری از تکرار تاریخ به این موارد با دیده عبرت بنگریم و از ظاهر حماسه کربلا به باطن آن عبور کنیم و این حقایق مشکل را به خوبی دریابیم و نسل جوان را از این خطرها آگاه سازیم و برای تقویت بنیادهای فکری عقیدتی باورهای دینی پررنگ ساختن معنویت در جامعه فروزان ساختن مشعله‌های غیرت‌دینی آخرت‌طلبی و گسستن از دنیا و دل نبستن به زرق و برق آن نصب العین قرار دادن سفارش رسول خدا (ص) درباره ثقل اکبر و کبیر و عملی ساختن رهاوردهای آسمانی آن دو،بیش از پیش بکوشیم تا به لطف الهی شاهد پیروزی مطلق را در آغوش کشیم و این نظام‌اسلامی را به پرچمدار اصلی اش حضرت بقیهٔ الله الاعظم ـ روحی فداه ـ بسپاریم و در رکاب مهرتاب او برای رشد و شکوفایی اسلام ناب نبوی (ص)، بکوشیم و جان ناقابل خود را فدایش سازیم

نتیجه

در تمامی سخنان پیش گفته تنها چیزی که نمود برجسته‌ای دارد،تشخیص تکلیف الهی و وظیفه دینی و عمل به آن برای دستیابی به رضایت خداوند سبحان است که امام حسین (ع) نمادهای اختیار از این مهم را به صورت الهام هایی در عالم رؤیا بیان‌کرده است شایان تأمل است که خواب معصوم حجت است و هیچ تفاوتی میان خواب و بیداری او نیست قرآن مجید، چگونگی آگاهی حضرت ابراهیم (ع) از یک تکلیف مهم آسمانی رادر عالم رؤیا ذکر می کند. همچنین در روایات آمده است که امام رضا (ع)

فرمود«... یاحسن اءنّ منامنا و یقظتنا واحدهٔ .

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹